



دوره هفتم تقنینیه

جلسه	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره
۱۲۱		۱۲۱
تاریخ تأسیس آذر	مندرجات	قیمت اشتراک
۱۳۰۵	فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی	کتاب ایران سابقاً ده تومان
جلسه پنجمین ۱۴	خواهد بود	تاریخ دوازده تومان
اردیبهشت ماه ۱۳۰۹	پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود	قیمت تک شماره
مطابق ۵ ذیحجه	مطبعة مجلس	یک نفرات
۱۳۴۸		

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه چهاردهم اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ * (پنجم ذی حجه ۱۳۴۸)

صورت مذاکرات

(۷) بقیه شور ثانی لایحه تصرف عدوانی از ماده ۲ و تصویب آن
 (۸) موقع و دستور جلسه بعد -
 (۹) تقدیم لایحه اصلاح یکی از مواد اصول محاکمات حقوقی
 (۱۰) اقتراح برای شرفایی حضور اعلیحضرت همایونی در روز
 عبد اضحی

(۱) تصویب صورت مجلس
 (۲) طرح و تصویب مرخصی آقای فرشی
 (۳) شور دوم عهد نامه ایران و هلند
 (۴) شور ثانی عهد نامه ایران و ایتالیا
 (۵) شور ثانی لایحه طرز جلوگیری از تصرف عدوانی
 (۶) اظهار آقای رئیس الوزراء دائر بانضمام شغل مالیه بمقام خود

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر برياضت آقای دادگر تشكيل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس سه شنبه ۹ اردیبهشت ماه را آقای موید احمدی (منشی) قرائت نمودند

آقای فرشی رسیده است قرائت میشود.

خبر مرخصی آقای فرشی

آقای فرشی نماینده محترم بواسطه کسالت و لزوم
 معالجه تقاضای سه ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده‌اند
 کمیسیون با تقاضای نماینده محترم موافقت نموده خبر
 آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - قبل از دستور.

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (خیر) صورت

تصویب شد.

بعضی از نمایندگان - دستور.

[۲ - تصویب مرخصی آقای فرشی]

رئیس - وارد دستور شویم؟ (بلی) خبر مرخصی

مذاکرات مشروح صدور بیست و یکمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه. (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده بهمان نظریه که دارم که کلیه در مرخصی ها مخالفت بکنم مگر مرخصی هائی که تمام حقوق با مقداری از آن را صرف بیک مصارف خیریه که برگشت بخود ملت، بکند تخصیص بدهند در اینجا چون هیچ تخصیص داده نشده در این تقاضای مرخصی باین ملاحظه بنده مخالفت میکنم و امیدوارم آقایان که میخواهند مرخصی بگیرند لااقل نصف نلک با ربع حقوقشان را اختصاص بیک مصارف عام المنفعه بدهند آنوقت مرخصی بگیرند.

رئیس - آقای ملک.

ملک مدنی - آقای فرشی بواسطه عارضه کسالتی که دارند و در تقاضای خودشان متذکر شده اند خودشان استدعا کرده اند که مسافرتی کرده باشند برای معالجه و البته آقای فیروز آبادی هم این نظری است که همیشه دارند و البته نظر صحیحی است که دارند و همیشه در کلیه مرخصی ها اظهار این عقیده را میکنند ولی آقای فرشی هیچوقت از مواقع سلامت از انجام وظیفه غفلت نکرده اند حالا کسالت پیدا کرده اند و محتاج بمسافرت شده اند این است که تقاضای مرخصی کرده اند و حقوقشان را البته باید بگیرند.

رئیس - موافقین با مرخصی آقای فرشی قیام فرمایند (اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد.

[۳ - شور دوم عهدنامه ایران و هلند]

رئیس - خبر کمیسیون امور خارجه راجع به عهدنامه دولتین ایران و هلند برای شور ثانی رسیده است قرائت میشود:

خبر کمیسیون:

مقام مقدس مجلس شورای ملی - کمیسیون امور خارجه در ۱۴ اردی بهشت تشکیل و لایحه نمره ۱۷۹۸

دولت ثانیاً تحت شور و مطالعه در آورده و چون هیچگونه اعتراضی واصل نشده بود لایحه مزبوره را که مشتمل بر چهار ماه و یک پرتکل اختتامیه و راجع بمعااهده مودت بین ایران و هلند عیناً تصویب نمود و اینک عین خبر تقدیمی ۷ اردی بهشت ۱۳۰۹ برای تصویب تقدیم مینماید.

رئیس - شور ثانی است در ماده اول اعتراضی نشده است در ماده دوم و سوم و ماده چهارم هیچکدام اعتراضی نرسیده است در پرتکل اختتامیه و در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۰۸ (۱۲ مارس ۱۹۳۰) منعقد شده است تصویب نمود و اجازه مبادله نسخ صحه شده آنرا بدولت میدهیم. رئیس - موافقین با ماده واحد قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۴ - شور ثانی عهد نامه ایران و ایتالیا]

رئیس - خبر بین الشورین کمیسیون امور خارجه راجع بمهد نامه بین دولتین ایران و ایتالیا مطرح شد.

خبر کمیسیون

ساحت مقدس مجلس شورای ملی

کمیسیون امور خارجه در جلسه ۱۴ اردی بهشت شور ثانی عهدنامه مودت بین ایران و ایتالیا را که مطالعه در آورده چون اعتراضی از طرف مجلس هیچیک از مواد معااهده بکمیسیون نرسیده بود کمیسیون نیز نظر اعتراضی بمعااهده مزبور نداشت آنرا تصویب نمود خبری که در تاریخ ۷ اردی بهشت ۱۳۰۹ برای تصویب تقدیم شده بود تقدیم مینماید.

رئیس - شور ثانی است در ماده اول و دوم و سوم و چهارم اعتراضی نرسیده است در پرتکل اختتامیه هم اعتراضی نرسیده است مذاکره در کلیات ثانی است در آن هم اعتراضی نرسیده است ماده واحد را قرائت میکنیم و رأی میگیریم:

ماده واحد - مجلس شورای ملی عهدنامه مودت بین دولت ایران و دولت ایتالیا را که مشتمل بر چهار ماده و یک پرتکل اختتامیه میباشد و در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۰۸ (۵ سپتامبر ۱۹۲۹) بین دولتین مزبوره منعقد و منظور نمایندگان آنها امضا شده است تصویب نموده و اجازه مبادله نسخ صحه شده آنرا بدولت میدهد.

رئیس - موافقین با ماده واحد قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

۵ - شور ثانی لایحه طرز جلوگیری از تصرفات عدوانی [رئیس - خبر از کمیسیون عدلیه راجع به لایحه طرز جلوگیری از تصرفات عدوانی ماده اول قرائت میشود. شور ثانی است.

خبر کمیسیون

کمیسیون قوانین عدلیه پیشهادات واصله آقایان نمایندگان را نسبت بشور اول لایحه راجع به تصرفات عدوانی حضور آقای وزیر عدلیه مورد شور و مطالعه قرار داده پس از مذاکرات لازمه با اصلاحات دیگری که کمیسیون دولت مقتضی دانسته اند مواد ذیل را بعنوان شور تنظیم و برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم مینماید.

ماده اول - در هر موردی که مال منقول یا غیر منقولی را از تصرف متصرف بدون رضایت او خارج می نمایند یا مزاحم استفاده متصرف میشود مأمورین نظمیه در صورت نبودن آنها حکام و نواب حکام و در صورت نبودن آنها مأمورین امنیه مکلف هستند از مزاحمت با دامانی که برای تصرف عدوانی میشود جلوگیری نمایند.

اگر چه عمل مزبور بستناد ادعی حقی نسبت به آن مال باشد.

رئیس - آقای طلوع.

طلوع - در کلیات عرض دارم.

رئیس - کلیات ندارد شور ثانی است. آقای آقا

سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم.

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - مقصود ماده اول اساساً معلوم است اما این

عبارتی را که نوشته شده است با تطبیق ماده چهارم بیک مفهوم غیر مطلوبی پیدا میکند زیرا مینویسد مالی که در تصرف کسی است اگر کسی بخواهد آن را از تصرف او خارج کند ولو باستناد حقی باشد مأمورین نظمیه و غیره باید رفع مزاحمت بکنند. برای خود بنده اتفاق افتاد مالی از بنده دزدیدند بعد از دوسه روز در راه دروازه باغشاه و دست بیک شخصی دیدم از دست او خواستم بگیرم البته رفتند بمأمورین نظمیه و غیره گفتند آمد گرفت برد اما مطابق این ماده آن شخصی که این مال در دست اوست متصرف است بنده که بخواهم بروم از دستش بگیرم نمیتوانم اینجا باید رفع مزاحمت بنده را بکنند زیرا بنده باستناد حقی که این مال منست و این شخص دزدیده است آن را میگیرم ولی مطابق این ماده اینطور است که اگر بنده ادعا کردم که از من دزدیده است مأمورین نظمیه نباید انتزاع بکنند بموجب این ماده آن شخص متصرف است و باید رفع مزاحمت مرا از او بکنند و مال در دست او باشد بموجب ماده چهارم هم بعد دیگر حق ندارند بر خلاف این تصمیم با کاری که شده است اقدام کنند بنده قبول دارم البته برای این بوده است برای اینست که شخص

متصرف صحیحی را بخواهند مالش را از دستش بگیرند باید رفع مزاحمت از او بشود ولی مفهوم ظاهر این عبارت طوری نیست که برساند این متصرف چه قسم متصرفی است متصرف دزدی نیست که يك دزدی اسبابی را از خانه دزدیده باشد بعد از چند روز اگر در دست او دیده اند شامل این تصرف نخواهد بود بنده خواستم عبارت طوری باشد که این سوء تفاهم از بین برود

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم اینجا نماینده محترم خواسته اند که مسئله را بفرمایند که ما بکفدری توضیحش بدهیم که از اشتباه بیرون بیایند و الا این عبارت هم آن مقصودی را که آقا دارید بهتر تأمین میکند همه مقصود این نبود که وقتی مال دزدی در دست کسی است وقتی که گیر می آورند دزد بگوید مال را نمیتوانید از دست من بیرون بیاورید و کسی که میخواهد مال را از او بگیرد تصرف عدوانی حساب شود خیر لکن البته مأمور انتظامات این کار را میکنند و خودش اگر بخواهد این کار را بکند تصدیق کنید که هرج و مرج است ولی وقتی که مأمور نظمیه یا یکی از مأمورین دولت اقدام می کند مال را از دست او میگیرد و آن شخص را هم بعنوان دزدی تعقیب می کنند بکوقت هم اتفاق می افتد که آن شخص دزد میگوید که این مال خودم است دزدی نکرده ام حالا بر فرض اینکه يك ترتیباتی پیدا بشود هر کس روی يك قوانینی دزد است او را تعقیب می کنند و این مال شخص دیگری است در هر صورت ما این قسمت هائی که اینجا گذاشتیم برای مسائل حقوقی است نه امور جزائی حالا با وجود اینکه بنده یقین دارم که عبارت واضح است و یقین دارم که این باعث این نخواهد شد که مأمورین ممنوع باشند از گرفتن مال دزدی از دست اشخاصی که دزدی کرده اند با وجود این اگر يك عبارت بهتری بنظر تان میرسد ممکن است پیشنهاد بفرمائید ما قبول می کنیم

رئیس - مذاکرات کافی است ؟
(گفته شد - بلی)

رئیس - موافقین با ماده اول قیام فرمایند (اگر قیام نمودند) تصویب شد

[۶ - اظهار آقای رئیس الوزراء دائر بانضمام

شغل مالیه ب مقام خود]

رئیس - آقای رئیس الوزراء فرمایشی داشتند:

رئیس الوزراء - بنده انضمام شغل مالیه را بمرتبه خودم بعرض مجلس میرسانم و چون خیلی هم کار دارم و عرضی هم ندارم مرخصی میخواهم که از همین جا مرخص بشوم .

آقا سید یعقوب - از امروز وزیر مالیه رسمی هست

اعضا های سابق رسمیت ندارد

[۷ - بقیه شور ثانی لایحه تصرف عدوانی از ماده ۱۰۰ رئیس - ماده دوم قرائت میشود :

ماده دوم - هرگاه کسی مال غیر متدولی را که تصرف غیر بوده است عدواناً تصرف کرده باشد مأمورین حفظ انتظامات عمومی باید با اجازه کتبی مدعی مال محل مال مزبور را بتصرف شاکي (متصرف اول) بدارند و این اجازه وقتی داده میشود که از تاریخ تصرف عدوانی بیش از یک ماه نگذشته باشد هرگاه از مقرر مدعی العموم تا قبل وقوع تصرف عدوانی بیش از پنج فرسخ فاصله باشد حاکم یا نایب الحکومه باید این مورد از طرف وزارت عدلیه بسمت نمایندگان مدعی العموم معین میشوند اجازه مذکور در فوق را خواهند داد این مورد حاکم یا نایب الحکومه باید در ظرف پنج روز ابرار اقدام خود را برای مدعی العموم ارسال دارند

رئیس - آقای طلوع

طلوع - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقای آقا سید یعقوب - اینجا بنده اگر عرضی در این ماده بکنم محض توجه آقایان برای خاطر يك توضیحانی هست بعنوان مخالفت عرض میکنم . فرق ماده يك و دو این است آقایان متوجه بودند ماده اول راجع به اعم از اینکه مال منقول باشد یا غیر منقول بمجرد اینکه کسی را مزاحم یا متعدی بدانند مأمورین حفظ انتظامات مطابق ماده اول مأمور هستند که جلوگیری از آن تعدی یا از مزاحمت بکنند در ماده دوم راجع به مال منقول این حکم نمیآید . اختصاص بمال غیر منقول دارد . برای نظر اینکه اگر ما بخواهیم در ماده دوم هم راجع به مال غیر منقول صحبت کنیم يك اختلاف بزرگی خواهد بود . يك کسی از بازار يك چیزی میخرد می آورد فوراً در وسط راه آن صاحب دکان می آید میگوید که مال من است در صورتیکه شاید پولش را گرفته باشد . در ماده دوم بعضی چیزها هست که به آقای وزیر عدلیه هم عرض کرده ام که اینجا در مقام توضیح باید معلوم بود . در اینجا در وقتیکه تصرف میکنند آن متصرف صاحب وقتیکه این عمل واقع میشود مأمورین حفظ انتظامات که اعم از حاکم و نایب الحکومه را هم معین داریم و با اجازه مدعی العموم باشد این یکزمانی معین میشود از زمان انتقال مال از يد آن تا بر گردد تا فاصله میشود . عبارت در اینجا این است که هرگاه مال غیر منقولی را که در تصرف کسی هست عدواناً تصرف کرده باشد . این عبارت عدواناً تصرف کرده باشد وقت ممکن است باشد يك ماه یا یکسال هم تصرف کرده باشد . این کلمه تصرف کرده باشد مطلق است مگر کبیسون برای اینکه رفع این اشتباه را کرده باشد خاص بيك ماه داده که بیشتر نباشد و الا اگر از آن تجاوز کرد آن ماده آخری دارد که مطابق قانون تصرف عدوانی در محاکمات نیست و آن ترتیبی است اما اینجا نظرمان از تصرف کرده باشد نه این که مطلقاً است که هر وقت هر کسی مالی در

یدش تصرف کرده باشد بتواند باطلاق این مال عمل کنند چرا ؟ بعلمت اینکه بعد توضیح دارد . چیزی که بود به آقای وزیر عدلیه عرض کرده بودم که آیا به مجرد اطلاق این قانون مأمورین وزارت داخله که عبارت از حکام یا نواب حکام باشند خود این قانون برای آنها کفایت میکند ؟ یعنی بعد از آنکه این قانون بموقع اجرا آمد حکام و نایب الحکومه هائی که در ولایات هستند باطلاق این قانون خودشانرا مسئول وزارت عدلیه میدانند یا اینکه بعد از این يك اجازه ثانوی وزارت عدلیه باید بآنها بدهد ؟ بعلمت اینکه قانون همچو میگوید که مأمورین حفظ انتظامات عمومی باید با اجازه کتبی مدعی العموم محل مال مزبور را بتصرف شاکي . (باید شکایت هم بکنند نه اینکه مدعی العموم بگوید من اینجا نشسته ام خبری برای من آورده اند که فلانکس مال فلانکس را از بد او بیرون آورده تو فلان الدوله نایب الحکومه هستی برو از دستش بگیر . باید آن کسی که مال از دستش رفته است شکایت بکند بدون شکایت نمیشود) . بتصرف شاکي (متصرف اول) و حال آنکه عقیده بنده این است که شاکي را باید در بین الهالین قرار بدهند متصرف را اینجا در بین الهالین گذاشته اشتباه است . و این اجازه وقتی داده میشود که از تاریخ تصرف عدوانی بیش از یکماه نگذشته باشد از این عبارت مفهوم میشود که تصرف کرده باشد مطلق نیست یکماه بیشتر فاصله ندارد . اگر چه آقای کازرونی پیشنهادی کرده بودند و کبیسون عدلیه موافقت نکرد . هرگاه از مقرر مدعی العموم تا قبل وقوع تصرف عدوانی بیش از پنج فرسخ فاصله باشد . اینجا کار بدست حاکم یا نایب الحکومه است . حاکم یا نایب الحکومه که در اینجا از طرف وزارت عدلیه بسمت نمایندگی مدعی العموم معین میشوند اجازه مذکور در فوق را دارد حالا خواستم ایتر عرض کنم که آقای مخبر یا آقای وزیر عدلیه توضیح بدهند که مجرد این قانون اجازه از برای حاکم یا نایب الحکومه نیست

یا اینکه خود این قانون اجازه میدهد بعد هم در ماده دیگری دارد که تقصیرات حاکم یا نایب الحکومه در امور اداری شان نسبت باینجا در تحت نظر وزارت عدلیه است اینجا باید توضیح بدهند که رفع این محذور بشود فوراً الان که قانون گذشت حکام یا نایب الحکومه ها نگویند که این قانون بما اجازه داده است که مداخله در امور حقوقی بکنیم مخالفت بنده برای این بود.

وزیر عدلیه - نماینده محترم در این موضوع قبلاً مذاکره کرده بودند و بنده گفتم که خود این عبارت هم گمان میکنم کافی باشد و ما را بمقصود برساند ما نمیخواهیم هر کس که حاکم یا نایب الحکومه شد بمحض اینکه دارای این سمت شد پس از این قانون دارای حق نمایندگی از طرف مدعی العموم باشد بلکه ما اشخاصی را از بین حکام و نواب حکام که وزارت داخله صورت میدهند صلاح میدانیم که این برای نمایندگی مدعی العموم خوب است آنوقت باو میگوئیم که نماینده باشد بنابراین تصور نمیکنم که در اینجا اشکالی باشد و لازم باشد که در مجلس گفته شود و حالا که فرمودند ضمناً اضافه میکنم که مقصود من نه اظهار سوء ظنی است بحکام و نواب حکام ولیکن چون يك عده نایب الحکومه هستند در این مملکت که ممکن است از نقطه نظر حکومت و از نقطه نظر کارهای کوچک بلدی محل بی اطلاع نباشند و بد مردمی هم نباشند اما اگر ما میخواهیم با اطلاعات ناقصی که دارند آنها را در قضایای مربوطه بتصرف عدوانی که در هر حال اطلاعات لازم دارد مداخله بدهیم از عهده بر نمیآیند این توضیح را دادم برای اینکه سوء تفاهمی نشود. در هر حال بعد از دادن این توضیح البته اصل مطلب همان است که گفتم و موافق با مقصود آقایان هم هست که ما بهر نایب الحکومه که برای او صلاحیت قائل هستیم که میتواند از عهده این کار برآید باو البته این حق را خواهیم داد باو مینویسیم که شما در این قبیل قضایا سمت نمایندگی از طرف مدعی العموم دارید آنوقت او میتواند در این قبیل کارها

مداخله کند
رئیس - پیشنهادی از آقای احتشام زاده رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای احتشام زاده

پیشنهاد میکنم در ماده ۲ سطر دوم و سطر چهارم و سطر اول کلمه اجازه حذف و بجای آن حکم نوشته شود
رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بنده توضیح مفصلي در این باب ندارم چون بر طبق ماده پنج اشخاصیکه شکایت از این اقدام مامورین دارند بایستی تجدید نظر بخواهند پس این است که بجای این لفظ (اجازه) حکم نوشته شود که عبارت اصلاح شود

وزیر عدلیه - با این پیشنهاد بنده کاملاً موافقم برای اینکه در مواد بعد هم گفتگو در حکم است که نسبت بحکم بشود شکایت استینافی کرد این يك چیز است که مامورین انتظام البته نمیتوانند خودشان مداخله کنند مگر بموجب حکم حاکم یا نایب الحکومه که از طرف مدعی العموم سمت نمایندگی دارد
رئیس - نظر آقای مخبر چیست ؟

مخبر - بنده هم موافقم

رئیس - رای میگیریم . . .

آقا سید یعقوب - تبصره است بنده پیشنهاد کرده

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود
پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

بنده پیشنهاد می کنم تبصره اضافه شود تبصره - وزارت داخله مکلف است صورت حکم و نواب حکام را بوزارت عدلیه بدهد
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - بنده اجازه میخواهم اگر

وزیر عدلیه در اینجا بیان کردند که ما بهر حکم و نایب الحکومه این حق را نمیدهیم و بحاکم نایب الحکومه میدهیم که پرسنل اداری و اطلاعات حال او داشته باشیم و حکام و نایب الحکومه های هم مختلف و متنوع است و وزارت عدلیه ناچار است برای جلوگیری از تعدیاتی که در قراء و قصابات متبردم می شود این حق را بآنها بدهد برای رفع کار بنده این پیشنهاد را کردم و اگر خودشان مانند محتاج نیست بنده استرداد می کنم

وزیر عدلیه - آقا تصور می کنند اگر این تبصره در این قانون نباشد بنده از وزارت داخله برون نخواهم بمن نخواهند داد؟ که لازم است بصورتی نوشته باشد. هر وقت يك وزارتخانه مخصوصاً در حالی که مربوط بهم هست صورتی بخواهد البته جواب دهند داد و مساعدت خواهند کرد

رئیس - رای میگیریم بماده دوم با اصلاح پیشنهادی احتشام زاده که مخبر و آقای وزیر عدلیه قبول کردند آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود:

ماده سوم - در مورد ماده فوق که حاکم یا نایب الحکومه سمت نمایندگی مدعی العموم را دارند مسئول وزارت عدلیه بوده و در تصدیق تصرفات اداری آنها راجع بماده فوق با اطلاع وزارت عدلیه در محاکم اداری وزارت عدلیه بعمل خواهد آمد.

رئیس - مخالفی نیست ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - موافقین باماده سوم قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم قرائت میشود:

ماده چهارم - در مورد مواد (۱) (۲) پس از اینکه در صورت متصرف اول ابقاء یا مجدداً بتصرف او داده

شد و بارفع مزاحمت از متصرف گردید دیگر مدعی العموم با سایر مأمورین مذکور در مواد فوق نمیتوانند آنها را از تصرف او خارج کرده یا تصمیمی مخالف تصمیم سابق خود اتخاذ کنند هرگاه در محاکم صالحه معلوم گردید که مال از تصرف کسی که سبق تصرف داشته خارج شده است مأمور متخلف مسئول خسارات وارده بر متصرف خواهد بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا بنده در کمیسیون متوجه نبودم و حالا در ضمن مطالعه متوجه شدم. در صورتیکه مأمور با اجازه قانون اینکار را کرده باشد چطور میتوانیم ما خسارات را متوجه او کنیم و او را متخلف قرار بدهیم بواسطه اینکه ما در ماده يك مأمورین حفظ انتظامات را مکلف کردیم که مال را از دست متخلف آن کسی که میخواهد مال را بگیرد از دست او بگیرند و در ماده دوم معین کردیم که تا یکماه هم میتواند مدعی العموم اجازه بدهد. بعد در اینجا میگوید که اگر معلوم شد که فلان خوب اگر این مأمور مطابق قانون رفتار کرده باشد به این بیچاره چرا خسارت وارد بیاوریم. این است که حالا متوجه شدم که باید اصلاح کرد.

وزیر عدلیه - بنده چون میخواهم موافقت بکنم با اینکه این قسمت بر داشته شود لازم دانستم که اینجا بیایم و مخصوصاً يك توضیحی بدهم که برداشتنش هم اسباب سوء استفاده و تعبیر نشود. البته مطابق اصول کلی و با اصطلاح عموماً قانونی معلوم است وقتی مأموری با علم باینکه این کاری که کرده است برخلاف ترتیب است و با سوء قصد این کار را کرده باشد آنوقت این مسئولیت را دارد (کازرونی - صحیح است) مقصود این قسمت است (کازرونی - معنایش همین است) ولیکن چون وقتی يك مأموری با سوء قصد و در اغلب مواقع از برای سوء استفاده آمده باشد این کار را کرده باشد علاوه بر این قسمت طرف مشمول يك مواد جزائی است و يك مسئولیتهای

خیلی عمده دارد بنابر این اگر ما این را نگذاریم ضرری بجائی نمیرساند (آقا سید یعقوب - صحیح است) زیرا از دو صورت خارج نیست یا من آمده ام . من مأمور و مال را از دست کسی که سبق تصرف داشته خارج کرده ام من بخيال و بتصور اینکه شخصی که شکایت کرده بوده است حق داشته است و سبق تصرف را او داشته است يك اشتباهی کرده ام و يك مراحل دیگری رسیدگی میکند که اشتباه من رفع بشود و برای يك اشتباهی که يك قاضی بکند بخواهید شما قائل بیک مسئولیتی (آقای آفاسید یعقوب - خسارت) باین شدت بشوید هیچ قاضی نمیتواند کار بکند برای اینکه اینقدر احتیاط خواهد کرد که اصل دعوی از بین خواهد رفت و یا اینکه من از نقطه نظر خصوصیت و خصومت یا از برای يك نظر های مادی آمده ام يك کسی که سبق تصرف داشته است مال را از دست او خارج کرده ام بنا براین مشمول مواد جزائی است و بایستی مجازات بشوم پس اصولاً ما این قسمت را لازم نداریم و خود این ممکن است اسباب تعبیراتی بشود که در عمل اسباب زحمت بشود و هر روز بیایند بگویند ما بموجب این ماده ادعای خسارت میکنیم بعد معلوم میشود که صحیح بوده پس ما این قسمت را بر می داریم ولی پیش خودمان مسلم و محرز است و بجای خودش هم صحیح است و بنده هم شاید نگفته بودم واضح بود ولی معهذا بنده توضیحاتی دادم که اسباب چیزی نشود در صورتیکه از روی غرض این کار را کرده باشد که آنوقت مسلماً هم باید خسارت طرف را بدهد و هم اینکه مشمول مواد جزائی است و اگر اینکه خیر از روی اشتباه بوده آن وقت اهمیت ندارد تازه اگر مأموری از این قبیل اشتباهات زیاد کرد معلوم میشود که او لایق نیست و او اخراج شود بهتر است .

کازرونی - ناکفته بماند بهتر است .

رئیس - پیشنهاد آقای آفاسید یعقوب راجع به ماده است دیگر ؟
 آفاسید یعقوب - بله بله
 وزیر عدلیه - ار هر گاه ؟
 آفاسید یعقوب - بله
 پیشنهاد آقای آفاسید یعقوب بنده پیشنهاد می کنم از هر گاه تا آخر حذف شود
 رئیس - آقای آفاسید یعقوب
 آقا سید یعقوب - گمان میکنم بعد از فرمایشات آقای وزیر عدلیه مطلب معلوم باشد بواسطه اینکه این مأمور اگر با حالت علم و اطلاع (این اصل قانون جزا هم هست) که متخلف در صورت اگر کاری بکند خسارت باو وارد می شود این قانون جزای ما هست و مخصوصاً ما نباید وقتی که دارای قانون مدونی هستیم در هر قانونی يك ماده جزای بیآوریم محتاج نیست و فرمایشی که آقای وزیر عدلیه کردند کاملاً صحیح است
 وزیر عدلیه - يك دفعه دیگر قرائت بشود . (پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب مجدداً خوانده شد)
 وزیر عدلیه - بنده موافقم
 مخبر - بنده هم موافقم
 رئیس - رأی میگیریم بماده چهارم با حذف که در پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب است و آقای وزیر عدلیه و آقای مخبر هم قبول کردند موافقت فرمایند (عده قیام نمودند)
 رئیس - قدری تأمل بفرمائید (پس از شمارش تصویب شد ماده پنجم قرائت می شود
 ماده پنجم - مأمورین مذکور در ماده (۲) که

خود را نسبت بتصرف عدوانی باید کتباً بمدعی علیه ابلاغ نموده بلافاصله آنرا بموقع اجرا گذارند از این حکم تا ده روز پس از ابلاغ میتوان استینافاً شکایت کرد مرجع شکایت اگر حکم از طرف مدعی العموم بوده عکسکه بدایت محل و اگر از طرف حاکم یا نایب الحکومه بوده نزدیکترین محکمه صلح خواهد بود
 رئیس - مخالفی نیست ؟ آقای فیروز آبادی
 فیروز آبادی - اینجا از این ماده بنده این قسم میدم که در هر قضایای جزئی باید حاکم یا نایب الحکومه وزیر عدلیه اجازه بگیرد در صورتیکه بنا بر این بشود حکومت یا نایب الحکومه در هر قضیه مراجعه بعدلیه کند اسباب معطلی خواهد بود اگر صلاحیت داشتند اجازه بدهند در جاهائی که عدلیه آنجا نیست در این باب رسیدگی بکنند بنده این نظری را که داشتم خواستم از وزیر عدلیه توضیح بدهند . غرض این بود که آقای وزیر عدلیه توضیح بدهند که رفع این اشتباه بشود .
 وزیر عدلیه - بنده متلفت نشدم توضیح بدهید .
 فیروز آبادی - عرض بنسده این بود که اگر بر الحکومه بنظر وزارت عدلیه لیاقت دارد در این کارها باو اجازه داده شود که باین قبیل کارها رسیدگی کند نه اینکه در جزء جزء قضایائی که اتفاق می افتد از وزارت عدلیه بخواهد اجازه بگیرد . در اینجا که نوشته است که هر شخصی حکم خودش را ارائه بدهد این یک نظریه وزارت عدلیه است بجهت اینکه در هر جزء که باو حکم داده نمیشود که او ارائه بدهد من مأمور مال را از دست تو بگیرم و بفلان شخص در صورتیکه اینطور نیست .
 وزیر عدلیه - بنده نمیدانم لایحه که در دست آقای وزیر عدلیه است ؟! چون عبارتی را که فرمودند من اینهم در لایحه باشد که باید حکم خود را ارائه بدهد بنده ماده را میخوانم : مأمورین مذکور در ماده ۲

حکم خود را نسبت بتصرف عدوانی باید کتباً بمدعی علیه ابلاغ نموده . یعنی آن حکمی را که میدهند که مال را از دست او بگیرند و بلافاصله آن را بموقع اجرا بگذارند . یعنی حکم سلب تصرف و از این تاریخ تا ده روز پس از ابلاغ میتوان استینافاً شکایت کرد مرجع شکایت اگر حکم از طرف مدعی العموم بوده محکمه بدایت محل و اگر از طرف حاکم یا نایب الحکومه بوده نزدیکترین محکمه صلح خواهد بود .
 اشکالی که آقا کردند وارد نیست مسلم است که مادر هر موردی جزء جزء نمی آئیم بحاکم دستور بدهیم و وقتی که ما حاکم را معین میکنیم سمت نمایندگی مدعی العموم مادامی که در آنجا هست و تقصیری هم نکرده است البته دارای آن سمت است و هر کاری در این حدود پیش بیاید رسیدگی خواهد کرد .
 فیروز آبادی - خوب رفع اشکال بنده شد .
 رئیس - رأی میگیریم بماده پنجم آقایی که تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اکثر قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . ماده ششم قرائت میشود :
 ماده ششم - مستاجر و مباشر و خادم و رعیت و کارگر و بطور کلی اشخاصیکه مالی را از قبل دیگری متصرفند میتوانند مطابق مواد فوق از تصرف عدوانی شکایت نمایند
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 آفاسید یعقوب - اینجا آقای وزیر عدلیه اگر موافقت بفرمایند عبارت اینطور بشود از قبل دیگری امانی متصرفند برای خاطر اینکه ممکن است يك دزدی بدزد دیگر بخورد . يك کسی مالی را از دست يك کسی گرفته است برده است حالا باید از دست او بگیرند اما ما بگوئیم مباشر و مستاجر خادم رعیت و کارگر و بطور کلی اشخاصیکه مالی را از قبل دیگر امانی متصرفند غرض بنده این است که تصرف جایز باشد جائز باشد که متصرف باشد

نه اینکه تصرف بعنوان تعلق باشد حالا اگر میفرمایند فلان ولی بطور کلی این معنی از این بیرون می آید بنده عرضی ندارم فقط توضیح میخواهم .

وزیر عدلیه - عرض کنم توضیح واضح خواستن در يك جلسه چندتا میشود داد ولی وقتی توضیح واضح زیاد شد دیگر بنده خوب نمیدانم معلوم است وقتی که میگویم کسی از قبل دیگری داشته باشد مقصود این است که آن طرف بگوید که این را برای من نگاه بدار نه اینکه بزور از دستش گرفته باشد یا بقول آقا يك دزدی از دزدی بخواهد ببرد .

رئیس - آقای وثوق

وثوق - موافقم

رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهار شد - خیر)

رئیس - رای میگیریم بماده ششم موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده هفتم قرائت میشود :

ماده ۷ - مستأجر پس از انقضای مدت اجاره و همچنین هر امین دیگری در صورت مطالبه مالک یا قائم مقام یا مأذون از طرف او عین مستأجره و یا مال امانی را بتصرف کسی که حق مطالبه دارد نداد متصرف عدوانی محسوب است مشروط بر اینکه از طرف کسی که حق مطالبه دارد بترتیب ذیل بآنها اخطار شده باشد

مستأجر در صورتیکه اخطار لا اقل یکماه قبل از انقضاء مدت اجاره بعمل آمده باشد پس از انقضای مدت اجاره و الا پس از یکماه از تاریخ اخطار متصرف عدوانی محسوب شده و مطابق این قانون با او رفتار خواهد شد سایر اشخاصیکه مال دیگری را بطور امانی متصرف باشند پنج روز پس از اخطار متصرف عدوانی محسوب خواهند شد اخطار فوق بوسیله اداره ثبت اسناد یا دفتر محکمه بدایت یا دفتر محکمه صلحیه بعمل میآید و اگر در محل هیچیک از مراجع فوق نباشد بوسیله حاکم

یا نایب الحکومه .

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - عرض کنم بنده با اینماده در کبیرین هم مخالفت کردم و نظریاتی داشتم که عرض کرده ام البته این قانون که می آید این جا وضع میشود برای تسهیل امر مردم و راحت آنها است چون چیز فاضلی بسط ندارد در مملکت ومحظور دارد از اینکه تهیه شود وزارت عدلیه قائل شده است که يك اختیاراتی باشناسیکه لیاقت دارند معلومات دارند بدهد برای اینکه رسیدگی بکار مردم بکنند و این مسئله مستأجر را باید از این محذوف کنیم برای اینکه این جزو تصرف عدوانی محسوب نمیشود اساساً متصرف عدوانی یعنی چه ؟ یعنی يك که که برود يك جائی را بزور عدواناً تصرف بکند و البته هیئت قضائیه حکومت مأمورین دولت برای حفظ انضام باید او را خارج کنند و الا مستأجری که بیرون جایی برضایت طرف اجاره میکند و در آنجا زحمت میکند و اجاره هم که منقضي شد می رود حالا اگر يك جریانی پیدا شده که رفتن آن بواسطه بعضی علقجاتی که در آنجا کرده است یا خرج هائی که آنجا کرده است متصرف عدوانی بشناسیم و مالک او بزور و شکایت کند و بزور او را بیرون کنند این فوق العاده است وعقیده ام این است که این جا باید بیشتر توضیح بدهند اول وضعیت کنونی مستأجر مالک را در نظر بگیرند بعد آنوقت هر فرمایشی که باشد توضیحی دارند بفرمایند شاید بنده هم قانع حالا این درست است يك مستأجری يك مالکی را اجاره بکند بنده صحبتیم در ملك مزروعی است این اجاره کرد مدت سه سال چهار سال هر چه صلاح الاجاره حشمی چیزی تهیه میکند برای راه انداختن این مدت اجاره اش که سرآمد وقتی که این را تصرف کنند شناخت این چه میشود آن مصالح الاجاره که آن تهیه کرده است حتی آن کودی که آنجا تهیه کرده

تحت دارد نمیتواند که ببرد (مهمه نمایندگان) الاغش را که نمیتواند جائی ببرد (مهمه نمایندگان) اجازه فرمایید عرض بنده تمام بشود بعد فرمایشی دارید بفرمایید کودی که تهیه کرده است قیمت دارد (مهمه نمایندگان - نمایندگان رئیس) در صورتیکه شما این جا اضافه کنید که مالک اناثه او را مطابق تصدیق خبره بخرد پولش را بدهد (مهمه نمایندگان) اجازه بدهید آقا حرف بنده تمام بود و الا با این ترتیب که يك ماده تنظیم شده است مدت اجاره که منقضي شد تا اخطار باو شد و نرفت من متصرف عدوانی است این تضييع حقوق است این حقوق عده زیادی از مردم ضعیف جداً تضييع میشود کودی که آنجا دارد قیمت دارد مالی که دارد قیمت بدهد گوی که دارد قیمت دارد اگر رفت کجا برود بخرند پولش را بهش بدهند . همه اش را ببرد ؛ ! کجا بدهد پولش را بهش بدهند این قسمت اگر در آخر ماده اضافه شود میشود رأی داد ولی اگر اضافه نشود این برضایت طرف اجاره میکند و در آنجا زحمت میکند و اجاره هم که منقضي شد می رود حالا اگر يك جریانی پیدا شده که رفتن آن بواسطه بعضی علقجاتی که در آنجا کرده است یا خرج هائی که آنجا کرده است متصرف عدوانی بشناسیم و مالک او بزور و شکایت کند و بزور او را بیرون کنند این فوق العاده است وعقیده ام این است که این جا باید بیشتر توضیح بدهند اول وضعیت کنونی مستأجر مالک را در نظر بگیرند بعد آنوقت هر فرمایشی که باشد توضیحی دارند بفرمایند شاید بنده هم قانع حالا این درست است يك مستأجری يك مالکی را اجاره بکند بنده صحبتیم در ملك مزروعی است این اجاره کرد مدت سه سال چهار سال هر چه صلاح الاجاره حشمی چیزی تهیه میکند برای راه انداختن این مدت اجاره اش که سرآمد وقتی که این را تصرف کنند شناخت این چه میشود آن مصالح الاجاره که آن تهیه کرده است حتی آن کودی که آنجا تهیه کرده

آقا سید یعقوب - چرا ؟

طهرانی - عرض کردم مطابق اصول زندگانی مملکت وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم بهترین ترتیب این در يك موضوعی این است که انسان بدون

حرارت يك مسئله را نگاه کند و با خون سردی له و علیش با بسنجد بعد بگوید چه ترتیب باید بشود آقا عقیده داشتند و اظهار داشتند این فرمایشات را خیلی مفصلتر مشروحتر خیلی با حرارت تر در کمیسیون فرمودند و داد و بیدادش را هم سر بنده کردند ولی اکثریت با بنده موافقت کردند خوب اینجا هم دلایلشان را میگیریم و جواب میدهم حکومت هم با اکثریت است اوقات تلخی هم با یکدیگر نداریم . آقا میفرمایند کسی که مستأجر است این را اساساً شما نباید بگوئید وقتی که مدت اجاره اش هم سر آمد و دلش نمیخواهد برود تصرف عدوانی حساب کنید . (یکنفر از نمایندگان - مالک است) چرا برای اینکه اسمش مستأجر است چون بنده دلیل دیگری در ضمن فرمایشاتشان ندیدم بنده باز میخواهم بگفتم قضیه را روشن تر کنم اسمش امروز مستأجر نیست سابقاً مستأجر بوده است (صحیح است) میگویند نظر باینکه يك روزی این شخص در اینجا مستأجر بوده حالا شما حق ندارید باین شخص حرفی بزنید و بگوئید باشو برو این روزها رفته قسمت اول فرمایشاتشان را که بگیریم و عصاره اش را بیرون بکشیم اینطور می شود (صحیح است) بنده این را دلیل نمی بینم بنده عرض می کنم بطوری که آقا فرمودند نظر ما در این لایحه البته برای تسهیل کار مردم است ولی مردم در این قسمت کارها دوطرف هستند و دودسته هستند یکطرف آن کسی است که ملك را اجاره داده يك طرف هم آن کسی است که ملك اجاره کرده است ما وقتی که میخواهیم تسهیل کنیم طرفین را باید در نظر داشته باشیم شما يك طرف را در نظر گرفته اید چرا اینطور میشود علتش این است که بنده آقای طهرانی را مدتهای مدیدی است خدمتشان ارادت دارم و ایشان يك شخص خیلی رقیق القلبی و خیلی ضعیف بزور و واقفاً احساسات ایشان از نقطه نظر ضعیف بزوری وادار میکند ایشان را که این فرمایشات را بفرمایند

ولی بنده میخواستم به آقا یاد آوری کنم که همه مالکین این مملکت اشخاصی نیستند که صد هزار تومان ملک داشته باشند اکثریت مالکین این مملکت اشخاص خورده مالک هستند که بایستی با آن ملک خودشان زندگانی خلی متوسط و پائین تر از حد معتدل خودشان را اداره بکنند. شما آقا نشنیده اید که اجاره داری در این مملکت يك كاری است که اغلب باعث این می شود که بمالك ضرر بخورد نشنیده اید که اغلب اشخاصیکه ملک دارند زحمت دارند از اینکه اجاره بدهند راست است بسا مالک بیچاره که خودش هم لیاقت اینکه ملکش را اداره کند ندارد و می آید اجاره می دهد و بعد از یکمدتی که گذشت و می بیند از ملک خودش استفاده نمیکند و چیزی دست گیرش نمیشود و مبلغی هم بده کار میشود آنوقت می آید خودش ملکش را اداره بکنند مجدداً مستأجر داولطلب میشود و کلا سر این میگذازد و چند سال سر این قضیه متضرر میشود آخرش هم در هر يك از این مواردی که با طرف صحبت بکنند میگوید آقا حرف داری برو عدلیه خوب اگر آقا فرصت بفرمایند و تشریف ببرند در حیاط وزارت عدلیه در همین مرکز بروید در قسمت هائی که مردم آمده اند و عرض حال داده اند و بعدلیه شکایت کرده اند به بینید اشخاصیکه می آیند آنجا که میگویند پنج سال چهارسال است ملکم را دادم دست این آدم و نمیتوانم بیرون بیاورم آنوقت می آید و کپل طرف شروع میکند اول بر صلاحیت محکمه اعتراض میکند بعد از آن که محکمه در این خصوص قرار صادر کرد در این مسئله مطابق قرائنی که در این خصوص است البته باید محکمه رسیدگی کند محکمه هم که تقصیر ندارد بعد که این قسمت ها معلوم شد بایستی یکمدتی در سر این کشمکش بکنند که بکدام محکمه باید برود بعد باید این پله ها را بگیرد و برود تا محل بالا تا به تمیز بعد آن قرار را معلق دارد به پائین بعد در يك قسمت دیگر ایراد میکند آقا عاقبت بعد از این کارها و بعد از چهار سال سه سال می بینیم تازه وارد در ماهیت

دعوی میشود این بالاخره آقا زندگی نمیشود باید بدانند که وقتی میخواهند بابك کسی قرار بگذارند خود و بد این قرار و نتیجه اش را باید روز اول در نظر بگیرند آن روز اولی که میخواهند این قرار را بگذارند در نظر بگیرد خوب بنده هم که میروم ملک اجاره کنم در نظر بگیرم و در قرار مان بگذارم آنوقت اگر يك قرار خصوصی بگذارم تخلیه روز آخر گذاشتند که ما تکلیفش را اینجا معین کرده اما اگر بنامد يك کسی بيك بهانه وارد ملک دیگر بشود و آن بهانه را اسمش را بگذارند اجاره و بعد از آن مدت اجاره تمام شد بخواد بعنوان اینکه من آدم بیستم و مالک نیستم و مستاجر هستم و آقای طهرانی با قلب رقیق خودشان روزی از من حمایت میکنند بخواد اینجا ادعای مالکیت کند نه آقا نه اکثریت مجلس و بنده نمیتوانم قطعاً با يك همچو چیزی موافقت کنم (صحیح است) این است که بنده تصور میکنم آقا آن قسمتی که قابل توجه است و ذیحق هستند یعنی اشخاصیکه مستأجر بوده اند و ضرر کرده اند و رفته اند خود اسباب تاثر است ولی در هر تجارت و در هر کاری که بایستی دو چیز را در نظر بگیرد که گاهی ضرر بیک گاهی منفعت اگر حالا آن مستاجرین بدبختی که آمده و واقعا ضرر کرده اند و از راه قانونی هم نمیشود که برایشان کرد و کمکی کرد آنها را بگذاریم و همه موارد نگاه کنید بنده یقین دارم آقا هم موافقت خواهند کرد بدون اینکه حرارت داشته باشند بدون اینکه بهیچ تغییر کنیم داد و بیداد کنیم بنده در هر صورت نمیکنم بیش از آنچه که راجع به مستاجرین ارفاق است میسر نیست تا اکثریت مجلس چه بگوید چه رای بدهد

روحي - مذاکرات کافی است
آقاسید یعقوب - خیر بنده عرض دارم
رئيس - مخالفید ؟
آقاسید یعقوب - بله

رئيس - بفرمائید
آقاسید یعقوب - آقای روحی را توجه میدهم بعضی مردم گمان میکنند این جا يك توضیحی لازم دارد و بایستی موافقت بکنند. بنده با آن فرمایشات که آقای روحی فرمودند در کمیسیون هم با آن توضیح موافقت نکردم و اندازه که آقای وزیر عدلیه هم این جا بیان کردند این نمیکنم موافقت کنم برای اینکه قانون از حالا بگذاریم بعد لابد مستاجرینی که از حالا بعد شروع میکنند بکنند با این قانون با مالکین قرار میگذارند و اجاره که میکنند با این شرط است که مثلاً گاو و فلان مان چه بماند ریشه مان چه ترتیب باشد مثلاً اگر این جا بگذاریم ریشه بماند و آنچه تکلیفش چیست از حالا يك شرایطی بگذارند این قانون الان از مجلس میروید بیرون و وزارت عدلیه در اجراء است بمجرد اینکه این قانون اجرا شد اشخاص بیایند هستند که از سابق آمده اند و يك جائی را در گذشته مسبوق باین قانون نبوده اند و دارای ریشه است و بونجه هر کس که رعیت است میداند مسبوق است بونجه (ملك آرائی - مطابق شرط است) به بینید ملك آرائی بگذارید عرض تمام شود حالا بشما عرض می رانم برای این درست بشود عرض میکنم قانون بنده بعد است نه نسبت بسابق آقا امروز اجاره يك نسبت بملکش نسبت برعابا تمام شده است و این يك ریشه بونجه دارد در این جا یا اینکه تخم کاری است برای سال آتی چون این قانون نبوده تخم کرده است تخم زده یا برای بهار آتی تخم زده ... (همه نمایندگان - آقا اینطور نیست)

آقاسید یعقوب - پس آقا بنده دیگر عرضی ندارم ...
وزیر عدلیه - من نمیدانم اگر آقا در این موضوع يك نظر دارند بهتر این است که با مطالعه بیشتری بفرمایند ملک را در يك مجلس و يك روز نمیشود وضع

کرد ما این عمل را میکنم اگر دیدیم واقماً يك مشکلائی هست موافقی هست بسیار خوب باز می آوریم و اصلاح میکنیم والا این را بگذارید همین ترتیب باشد (صحیح است)

رئيس - آقای فیروز آبادی موافقت ؟
فیروز آبادی - بله
رئيس - آقای کازرونی
کازرونی - موافقم
رئيس - آقای مؤید احمدی موافقت ؟
مؤید احمدی - بله
رئيس - آقای افسر موافقت ؟
افسر - بنده توضیحی داشتم
رئيس - بفرمائید

افسر - عرض کنم این مطلب را آقای آقا سید یعقوب فراموش کرده اند تمام اجاره خط ها را که ملاحظه کنند این مطلب درش قید شده است نوشته است که ریشه بونجه را باید چکار کند آب صیفی و شتوی را چکار کند و بچه جور شیر تسلیم کند اجاره خطی که این شرایط را نداشته باشد ما تا بحال ندیده ایم این اولش است که می بینیم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئيس - پیشنهادی از آقای مؤید احمدی رسیده است قرائت میشود:
بنده پیشنهاد میکنم در ماده (۷) بعد از کلمه پنج روز پس از اخطار علاوه شود بعدم تخلیه و رفع ید.
رئيس - بفرمائید

مؤید احمدی - چون عبارت قانون باین عبارت نوشته شده است اشخاصیکه مال دیگری را بطور امانی متصرف باشند پنج روز پس از اخطار متصرف عدوانی

محسوب شده . باید نوشته شود پس از اخطار و عدم تخلیه و رفع يد اگر تخلیه نکرد متصرف عدوانی است اگر کرد که نمیشود .

وزیر عدلیه - این پیشنهاد یکمرتبه دیگر قرائت شود (پیشنهاد مزبور مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

وزیر عدلیه - بنده موافق این مسلم است تکلمه بودند هم واضح بود ولی احتیاط میکنیم

رئیس - آقای مخبر

مخبر - بنده هم قبول میکنم

رئیس - رای میگیریم . . .

یاسائی - اجازه بفرمائید بنده يك توضیحی عرض کنم

رئیس - بفرمائید

مخبر - عرض میشود يك مذاکرانی آقایان راجع

باین ماده کردند بنده لازم میدانم توضیحی داده شود

که در عمل برای مأمور اجرای این قانون تولید اشکالی نشود بعضی از اعتراضات که میشود از نقطه نظر عرف

و معمول ولایات اعتراضات وارد است از قبیل اینکه مستأجری در ملکي ریشه بنجه یا آثار دیگر

داشته باشد بعد که مدت اجاره منقضی شد البته باید مطابق این قانون اگر تخلیه نکرد عمل کنیم و

بیرونش کنیم شبهه ندارد نمیتوانیم اصل قانون را عوض کنیم ولی همانطور که عمل میشده تا حالا ما بین مردم

چون رعایا موجرین مستأجرین يك عرفیاتی بوده است که ممکن است مأمورین در عمل مراعات کنند بطوری

که منافاتی هم با این قانون نداشته باشد در قانون که نمیشود يك چنین چیزی هائی را گنجانند و يك حقوق

فوق العاده برای مستأجر پس از انقضاء اجاره اش قائل شد مخصوصاً در مورد محصول صیفی آقایان میدانند در

غالب جاها محصول جوزق و پنبه خیلی بعد از میزان بعمل می آید موقع اجاره در مهر و میزان است غالباً

در ماه بعد از مهر محصول جوزق بدست می آید که است يك مستأجری زراعت صیفی کرده است و بنده

زراعت جوزقه کرده است و همان مال آخر اجاره است درست است که در اول مهر ممکن است موجر

ملك را بدیگری اجاره بدهد از نقطه نظر زراعت شش هم در اواسط سنبله شروع کرده باین که زراعت کرده

باشد یعنی مستأجر جدید و آن محصول و زراعت مانده قدیم روی ملك هست و معمولاً در موقعش هم می

بر میدارد و می رود بدون اینکه مستأجر جدید مزاحم باشد و عمل هم همینطور هست (بعضی از نمایندگان

صحیح است) بنده اینها را توضیح دادم که این عمل باید رعایت شود اشکالی ندارد مزاحمتی هم با قانون

ندارد اینها در صورت مجلس قید میشود و ممکن است که فردا اسباب زحمت مأمورین نشود و این فتوا

را در نظر بگیرند رئیس - پیشنهادی از آقای طهراني رسیده است قرائت میشود:

ماده ۷ - پیشنهاد میکنم مستأجرینی که قبل تصویب قانون تصرف عدوانی ملکي در اجاره داشته

مطابق معمول سابق در محاکم حقوقی رسیدگی شود رئیس - بفرمائید

طهرانی - عرض کنم که بنده حیرانی از نکرده و معذرت میخواهم که آقای وزیر عدلیه فرمود

بنده يك اظهاری کردم آقایان حمله کردند و چون قانعی به بنده داده نشد مسئله باید تفکیک شود

ملکات امروز این است صد هزار زارع و مستأجر سؤال کنید يك مستأجر می رود ملکي را اجاره

میکند شرایط نمی کند آنجا مال دارد برای رفت آمدش آنجا مالش گاوش یونجه میخورد آن

در محل قیمت دارد (بعضی از نمایندگان - با این اینطور نیست) آخر این مأمور باید يك چیزی

گاو می خرد آنجا شخم بکند فردا اجاره سر

حالا مأمور می رود چه می کند حالا معمول این است که جنت را میخرند بعد از اینکه این قانون را تصویب کردند این گاوش را نمیخرد میگوید ده تومان

گاو که سیصد تومان خریده است میخرد ده تومان معمول هم نبوده است که با موجر شرط بکنند . یعنی شرط بکنند که آقا من روزی از ملك شما میروم

کار خریده ام علاقه پیدا کرده ام بعد باید چه بکنم این معمول نیست این را رعایت کنید و الله اینطور است

حالا بگوئیم اختلافی پیدا میشود بنده قبول دارم تصدیق بکنم که بعضی مستأجرین پیدا میشوند که تعدی میکنند

بن تصدیق میکنم و خیلی هم تعدی میکنند ولی این مسئله این مستأجرین و مالکین است . اگر کاری میکردند مدت را معین

بکردند که وقتی مدت سر می آمد گاو کوی خرید داشته باشد مالک از رعیت دارد باید وصول کند مساعده داده است

مستأجرین در يك محلی که میروند بتفاوت وضعیت مالک مساعده میدهند خوب این مساعده اش را باید

محل کند . همین تا اجاره اش تمام شد بیرونش کنند بن که نمیشود .

وزیر عدلیه - عرض کنم اینها عبارت تری کاغذ است طرز اجرائش زحمت دارد اگر آقا تمام نکاتی که

بفرمائید اینها را بردارند با يك عبارات خیلی روشن بکنند و در دست مجری بیاید بيك شکل دیگر در بیاید

بد تغییر شود مسلماً آثار بد از او خارج خواهد شد . یا اگر برعکس کسانی که میخواهند اجرا کنند کسانی که

نور کلی اجرا را میدهند متوجه تمام اطراف باشند به خیال میکنم جای اشکالی باقی نخواهد ماند . ما

بما چه خواستیم بکنیم . ما سرعت خواستیم بکنیم . بلکه رفع تصرف عدوانی بسرعت انجام شود نه اینکه

مدت سال گرفتار تصرف عدوانی باشیم این اصل مسئله . مقابل فرمایشات اولیه آقا چون جوابهائی عرض کردم

را نمیکند برای اینکه می بینم قانع نخواهد کرد چنانچه بنده اما راجع باین قسمت که فرمودید که این

قانون را نسبت با تیه بکنند يك قسمت زباد از مردم رادچار همان وضعیت گذشته میکنید . بنده میگویم از این مطالبی که میفرمایند اولاً این که ما کجا گفته ایم که بآن چیز

هائی که عرف و معمول محل بوده در این مملکت و عادت بوده است نباید اهمیت داد؟ در کجا ما گفته ایم که این آدمی که اجاره کرده است وقتی تمام شد مالش را دستش

ندهند برود (طهرانی - این تبصره را اضافه کنید) خیر تبصره هم اضافه نمیکند بنده عرض میکنم که شما بگذارید این قانون همینطور باشد و تصدیق هم بکنید چون قانونی است که بدست حکام و نواب حکام والیه بعضی اوقات بدست مدعی العموم ها است ولی مخصوصاً چون بیشتر اشخاصیکه باید اجرا کنند نواب حکام و حکام هستند وزارت عدلیه باید يك دستورات جامعی بنویسد که در عین اینکه مخالف با قانون نیست و البته اینطور نخواهد بود ولی توضیح بکنند مقصود مقرر را بنده در آن دستور ها تا درجه که لازم است آن نکاتی که لازم باشد ذکر خواهم کرد که بمحض اینکه این آمد او را خارج نکنند و این قسمت ها را رعایت کنند ولیکن آن حقی که آنجا دارد بگوید برو عدلیه ثابت کن البته این بی الصافی است و البته اگر در ضمن عمل آمدیم بجائی بر خوردیم که آنجا محتاج قانون بود و بدستور وزارتی نمیشد می آوریم قانون میکنیم ولی وقتی که تجربه کردیم وقتی دیدیم که خیر همین قانون مسائل مشکل را حل میکند بدون اینکه زحمت و ظلمی بکسی وارد بیآورد و خوب بموقع اجرا گذاشته میشود بنده خواهش میکنم آقا این پیشنهادشان را مسترد بفرمایند و بنده اطمینان هم میدهم که طوری عمل کنیم که زحمتی نداشته باشد و کاری نکنیم که يك عه بر علیه عده دیگر از شان تقویت شود .

طهرانی - بنده استرداد میکنم و خیلی متشکرم که این قسمت را در نظر میگیرند

رئیس - رای میگیریم بماده هفتم با اصلاح پیشنهادی

آقای مؤید احمدی که آقای وزیر عدلیه و آقای مخبر قبول کردند موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده هشت قرائت میشود ماده ۸ - در صورتیکه بین موجر و مستاجر راجع به تخلیه ملک پس از انقضاء مدت اجاره و یا بین صاحب مال و امین مقررات و شرایط حاصل باشد و همچنین در موارد مشمول مواد (۳۸) (۳۹) (۴۰) قانون ثبت اسناد و املاک مقررات این قانون اجرا نخواهد شد .

رئیس - آقای آفاسید یعقوب

آفاسید یعقوب - اینجا مجلس شورای ملی است مسجد نیست که بنده عبادت بکنم کسی نفهمد مسلم وقتی که بنده حرف میزنم میخواهم تماشاچی هم بفهمد اگر میخواستم عبادت کنم میرفتم مسجد قصد خلوصی هم می کردم قرینه لله هم میگفتم اینجا مجلس است ما هم آمده ایم برای ملت قانون بنویسیم میل دارم همه بفهمند تماشاچی هاهم بفهمند عوام فریبی هم میکنند مسجد نیست که عبادت کنم عبادتم باطل شود بنده در آن ماده يك نظری داشتم که آقای وزیر عدلیه فرمودند که ما چون این قانون را بدست نواب حکام و حکام میدهیم بعد خود آقای وزیر عدلیه هم ملتفت شدند که دادند قانون بدست حکام و نایب الحکومه ها که جریان قانون در دستشان نیست نظر ما این بود که بعد اسباب اذیت طرفین نشود اسباب زحمت برای رعایا نشود بنده خود مالک هستم و آقایان هم مالک هستند و میدانم که خود مالک بیشتر از همه دانش برای رعیتش میسوزد برای خاطر اینکه يك حقوق فوق العاده از برای حکام و نایب الحکومه ها تعیین شود صحبت کردیم توضیحات داده شد حالا برای تماشاچی خیر برای تماشاچها میگویم که بفهمند و بگویند خیلی خوب حرف زد بنده سی سال چهل سال است دارم حرف میزنم برای ملت برای اینکه بگویند

خوب آدمی بوده است برای خودم ننکرده ام در این نوشته است : در صورتیکه بین موجر و مستاجر راجع به تخلیه ملک پس از انقضاء مدت اجاره و یا بین صاحب مال و امین مقررات و شرایط خاصی باشد بنده خواستم آقای طهرانئی و آقای وزیر عدلیه و همین جور آقای مخبر را توجه بدهم که در این عبارت شرایط خاص اگر عمده است بدهیم آن معنائی را که آقای طهرانئی در نظر داشت یعنی همان معمول سابقی که بین رعیت و ارباب بوده است نسبت به آن علاقه ای که از برای رعیت و مالک هم ترسیدی که تراضی بوده همان جوری که تا حال ما در ارباب و رعیت بوده است اگر این شرایط خاص این معنی را شامل او بگیریم و توضیح بدهیم هم نگرانی بنده رفع میشود هم آقای طهرانئی که مراد از این شرایط خاص همین ترتیبی که از سابق بوده است اگر رعیت داشته باشد مثلاً مالک ملاحظه ریشه را کرده شخم داشته مالک ملاحظه شخم را کرده آن چیزهایی که بین منظور بوده این قانون آنها را از بین نمی برد و آن شرایط خاصی که ما بین شان بوده بقی است خواستم این توضیح بدهم که رفع نگرانی شود .

حسینعلی میرزا دولتشاهی - رعیت سر جایش است . مستاجر را فرمائید .

وزیر عدلیه - روی سخن ایشان در قسمت فرمایشاتشان مسلماً با بنده نبود زیرا بنده هیچوقت جسارت نمی کنم که به آقا بگویم صحبت میکنند تماشاچی ها یا خدای نخواسته عوام فریبی میکنند میگویم از جای دیگر اوقاتشان تلخ بود لذا آن فرموده را بنده میگذارم کنار و تصدیق هم می کنم مسلم است کسی که در مجلس صحبت میکند میخواهند همه بفهمند . اما در قسمت ثانی که فرمودید ما این بطور اجمال قضیه را میگیریم با احتیاطی که بنده نباید در قانون گذاری تمام جزئیاتی که ضمن کار واقع است واقع شود پیش بینی کرد . و بهتر این است که

را بطور کلی بگوئیم تا بعد در عمل به بینیم چه چیزهایی پیش می آید و برای هر يك از مواردی که پیش می آید پس از تجربه انسان قانون بنویسد بهتر است . بنده خیال میکنم بهتر این است که همین ترتیب باشد مسلم است اگر در يك محل هائی که يك چیز هائی معمول است در ضمن اجاره تکلیف آنها معلوم میشود . وقتی که اجاره میکنند راجع بریشه بویچه که بچه طور باید عمل شود اگر قرار دادی از اول با هم دارند که بهمان ترتیب عمل میشود و اگر طرفین کنتراتی ندارند ناچار طبق معمول و متداول محل رفتار خواهد شد . وقتی که شما يك قرار دادی می نویسید در تفسیرش چه میکنید ؟ جمع میکنید به پیشید معمول چیست . از آنجا این بر استنتاج می کنید که چون معمول فلان جا اینطور بوده این اشخاصیکه این عبارت و مواد را نوشته اند البته معمول در نظر گرفته اند پس اگر صریحاً قرار داده و نوشته اند محل حرف نیست و اگر هم ننوشته اند آنچه که معمول بوده مجری خواهد بود این قاعده کلی و اصل قانونی است که وقتی شما يك قرار دادی را که بین طرف بسته شده است یعنی يك موادی که دو نفر دارند و روی او توافق نظر حاصل کرده اند در نفسی که اختلافی پیش بیاید بخواهید تفسیر کنید بنده می بینید معمول به در محل چه بوده و آنرو عمل می شود راه دیگری ندارد . بیش از این در دیگری لازم نیست عرض کنم و حواله میدهم بان ترتیبی هائی که داده می شود و بعد از تصویب تکمیل قسمت هائی که لازم است صورت قانونی پیدا کنند و در دست می کنیم (صحیح است)

کلارونی - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای شریعت زاده موافقید

شریعت زاده - بل

رئیس - رای گرفته می شود بماده هشتم آقایانیکه

موافقند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده نهم

ماده نهم - اختلاف بین موجر و مستاجر دکان و مغازه و کاروانسرا و امثال آنها راجع به تخلیه مشمول مواد فوق نبوده و دعوی تخلیه مطابق قانون حکمیت قطع و فصل خواهد شد

رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - به عقیده بنده همان ماده هفت و هشت کافی است و ماده نه زائد است (صحیح است) برای اینکه وقتیکه در ماده هشت ما گفتیم در صورتیکه مابین موجر و مستاجر راجع بتخلیه ملک يك قرار دادی نباشد مشمول این ماده نیست . اگر قرار داد نشده باشد بجهت مغازه و دکان را از این قانون مستثنی میکنید و بحکمیت واگذار میکنید زیرا این اصل مالکیت را نسبت باین قسمت بکلی از بین میبرد اگر چنانچه کسی اجاره داد کاروانسرا و دکان و مغازه را و قرار دادی راجع به تخلیه نکردند این چه تفاوت با سایر قسمتها دارد . در املاک هر طور است اینجا هم باید باشد . این ماده اصل مالکیت را بکلی متزلزل میکند فرضاً در چند شهر بزرگ ما چندین مثالی داشته باشیم اما يك قانون کلی برای مغازه و کاروانسرا بگذاریم که اصول مالکیت را نسبت بابنها متزلزل کند چه فایده دارد ؟ فرضاً در طهران باسه چهار شهر بزرگ آنها در خیابانهای معینی يك ترتیباتی می کنند بعد هم توافق پیدا میکنند این دخلی بقانون همه مملکت ندارد که بگوئید تخلیه دکان باید بحکمیت بشود . مخصوصاً با ماده هشتم که ذکر شد دیگر لزومی ندارد . این است همان قرار داد را در اینجا هم ذکر کنیم و این بعقیده بنده کافی است و ذکر این ازومی ندارد

وزیر عدلیه - اگر نماینده محترم مقصودشان این بود

(که بنده را بعنوان اینکه همان ماده ۸ کافی است و

باصطلاح عامیانه سرم را شیره بمالند که ماده نه از بین

برود) بد نبود والا تمام استدلالاتی که برضد ماده نمودند نشان میداد که ماده نه غیر از هشت است و نشان میداد که برای این مقصودی که این جا نوشته شده ماده هشت کافی نیست. این مرتبه بنده میدانم که آقای طهرانى با من همراه هستند و باید با آن آقایان موافقت کنم و مطالبی میگویم و با این دسته از آقایان مبارزه کنم. تا حالا بنده مالک را دو دستی گرفته بودم برای اینکه او را در مقابل مستأجر حفظ کنم حالا بنده طرف مستأجر را گرفته ام تا اینکه از طرفین فحش بخورم برای اینکه مستأجرین شاید باین اندازه هم راضی نباشند و مالکین این را يك بدبختی میدانند ولي چون بنده مصلحت مملکت را در نظر میگیرم تمام فحش ها را گوش میکنم و هیچ چیز نمی گویم عرض میکنم آقا مسئله دکاکین غیر از املاک است و بنده بدون اینکه داخل تفصیل شوم انصاف می خواهم وقتی يك نفر بقال یا سبزی فروش یا فرش بفرمایند آن کسی هم که قدری اسباب تجملی میفروشد این در يك محلی که هست يك مقداری از اشخاصی آمده و مشتری او شده اند اعتباراتی پخش کرده باصطلاح توي آن محل اشتهار و اعتباری پیدا کرده این را اگر دستن را بگیرند و بکنند یا شو برو دیگر اعتبار و نسیه اش را نمیتواند وصول کند و پولش سوخت شده و در بعضی موارد اغلب تمام سرمایه اش از بین میرود. پس این بی انصافی است که باو بگویند باشو برو و بعد برای صد دینار و سه شاهی که طلب داری برو عرض حال بنده و بوسیله عدلیه وصول کن! ...

کازرونی - این اختصاص بطهران دارد (زنك رئیس) رئیس - بفرمائید آقا

وزیر عدلیه - اجازه بدهید... بنده تا وقتی که آقای کازرونی فرمایشات میفرمایند خواستم ساکت باشم حالا که تمام شد عرض میکنم! از طرفی باید انصاف داد که خیلی از مستأجرین بهمین عنوان که من این جا نشسته ام

و مشتری جلب کردم ام گاهی از اوقات اصلا مال الاجاره را نمی خواهند بدهند حالا برای اینکه با آقای طهرانى و هم فکرهای ایشان موافقت کرده باشم که مالکین از حیث مال الاجاره بستن گاهی يك تقاضاهائی میکنند که واقعا زیاد است ملکى را که در سال پیش بنده اجاره دارم اجاره اش بیست تومان بوده يك مرتبه حالا پنجاه تومان رسانده اند و این آدم البته از عهد برین و اگر این آدم برود تمام آن زحمت هائی که کشیده و مشتری که جلب کرده از دستش میرود پس نمیشود این آدم را از آنجا بیرون کرد این ها را از نظر نباید محاسب کرد و روی کلیات صحبت کرد. آقا وقتی که شما مالک دکان میوه فروشی را که می بینید آدمتان را میفرستید از آنجا میوه میخرد بدون اینکه بشناسید آن کسی که این اجاره آباد کرده کیست برای اینکه این آدم معروف شده بود فروش خوبی است حالا این میرود و دیگری بیاید جای این استفاده میکند؟! این آدم سالها آمده يك جانی را آباد کرده و مقدار بهم از اشخاص طلب دارد حالا که برود همه از بین میرود. ما آمدیم و خیال کردیم که برود رفع اختلاف این نوع مالکیت راجع به مغازه ها را پیدا کنیم خیالی مشورت کردیم. اولاً آقا میدانید بنده خودم در این قسمت دو سال و نیم است که با نمایندگان طرفین صحبت کردیم و وقتم را صرف این کرده غرض این است که این فکر تازه نیست که برای بنده پیدا شده باشد خواستیم يك طریقی پیدا کنیم که حدی برای میزان مال الاجاره ها تنظیم کنیم باز بنده بواسطه مصالحی خوب ندانستم و بهترین راهی که در این همین بود که يك شکل که خدا منشی برای طرف قائل شویم این بود که آمدیم و گفتیم در این موارد طرفین بروند به حکمیت. آقا میفرمایند مالکیت از بین میرود خیر آقا ما آمده ایم این جا (در مملکتی قانون این اجازه را میدهد) و يك قرار داده کرده ایم که در این قبیل موارد اختلافاتی اگر پیش شد به حکمیت رجوع کنیم ما يك قانونی داریم که

اجازه را میدهد و بموجب این قانون (وقتی که رای بد قانون میشود) به تمام مستأجرین و مالکین که ما در قرار دادتان چه میگوئید به حکمیت رجوع کنید با بگوئید هر وقت که اختلافی پیدا کردید باید حکمیت رجوع کنید و ما این کار را از طرف شما کنیم برای اینکه حکم يك که خدا منشی و يك رويه خدا منشی در قضاها دارد. وقتی دید يك مالکى دارد و میگوید باو حالی میکند که نباید زیاد زور بگوئی باین مستأجر و بی انصافی کنی ولي وقتی هم دیدم مستأجر حرف ناحساب زد نمیشود باو گفت بنشین و چیزی نده بجای اینکه به از روی قواعد خشک قانون حل شود (چون قدر شما سعی کنید قانون را ملایم کنید بالاخره خشک است) و عوض اینکه مطابق قواعد سخت خشک نخواهید قضیه را ختم کنید این را با خدا منشی تمام میکنید و در اکثر موارد هم به نفع این است (صحیح است) این بود که ما آمدیم هم عوض اینکه در عدلیه قضیه حل شود بحکمیت پیدا کند بهتر است حالا کجای این مخالف با مالکیت است چون این مسئله يك مسئله نیست ما تازه درش وارد شده باشیم مطالعات زیاد درش و آخرین راه حلی که متناسب با وضع امروزه مملکت است همین است که در نظر گرفته شده و بنده میدانم آقایان هم موافقت کنند و بحث در این را زیاد طول ندهند و بگذارند قانون بگذرد.

رئیس - آقای وثوق آقا سید مرتضی خان وثوق - بنده اصولا با این طرف موافقم لیکن در قراء و قضیاتی که نقش از مدعی العموم زیاد است اگر این کارها پیدا شود نباید شامل این ماده بشود موافقت بفرمائید يك پیشنهادی بدهند که در اینجا صلحیه و مدعی العموم نیست برای اینکه فلسفه قانون این است که از تعديت جلوگیری شود و برای

حفظ مردم است. اگر در يك جائی يك دکانی را يك کسی غصب کرد و به مدعی العموم دسترسی نداشتند در این قسمتها هم پیشنهاد میدهم همانطور که حکام و نایب الحکومه ها در سایر قسمتها در این قبیل امور جلوگیری میکنند در این مورد هم که يك کسی آمد کاروانسرا و دکان کسی را غصب کرد و آن بل مدعی العموم و صلحیه هم نداشت حاکم و نایب الحکومه رسیدگی کند و جلوگیری کند حکمی بدهد و به تصرف صاحب اولیه اش بدهد آنوقت او اگر حرف دارد برود استیناف بدهد و اگر شکایتی دارد بکند. موافقت بفرمائید که این پیشنهاد قبول شود

یاسائی (مخبر کسبیون عدلیه) - عرض میشود بسیاری از نواقص در کارهای قضائى هست که نمیشود در ضمن گذراندن يك لوایحی مثل تأمین مدعی به و لایحه تصرف عدوانی آن نواقص را رفع کرد و باید بتدریج موجبات رضایت مردم را فراهم کرد. بنده خیال میکنم این نظری که آقای وثوق دارند خوبست حفظ کنند برای موقعی که چون وزارت عدلیه دارد لایحه تهیه میکند که حکام يك مداخلات بیشتری در کارها بکنند از قبیل دعاوی در حدود صلح ناحیه که حکام و نایب الحکومه ها بتوانند تا دعاوی که مدعی به آن ناحیه تا صد تومان است رسیدگی کنند بعضی نقاط هست مثل ابرقو که مدعی العموم در آنجا نیست در اینجا البته باید بحکام يك اختیاراتی داد تا بتوانند در این کارها يك دخالت هائی بکنند ولي در اینجا بشیر نظر بشهرهای بزرگ است جاهائی که دکاکین و مغازه زیاد است. حالا ممکن است در يك دهی یا يك قصبه چهار تا دکانی باشد اما نمیشود برای آنها يك ماده خاصی وضع کرد پس تقاضا میکنم که این نظر را برای بعد بگذارید

روحی - مذاکرات کافی است.
عدل - کافی نیست.
رئیس - بفرمائید

عدل - راجع بعدم کفایت مذاکرات چون بنده تصور می‌کنم این ماده مهمی است و يك اندازه جلو آبادی و ترقیات را می‌کند می‌خواهم عرض کنم که در این ماده باین اختصار نمی‌شود مذاکره کرد اسباب زحمت خواهد شد. این است که استدعا میکنم اولاً جلسه را ختم نفرمائید تا راجع باین قضیه در خارج مذاکره کنیم اگر جلسه را ختم نمی‌فرمائید افلا اجازه بدهید که يك قدری مذاکره شود چون این ماده خیلی اهمیت دارد و اسباب زحمت فراهم می‌کند دیگر بسته برای اکثریت است. بنده ختم جلسه را پیشنهاد میکنم.

آقای سید یعقوب - ختم جلسه مقدم است.

یاسانی مخبر کمیسیون عدلیه - بنده با نظریه که آقای طهرانی و سایرین فرمودند خواستم حد متوسط و معتدلی بین مالکین و مستاجرین پیدا کنیم تا این قانون بگذرد ولی حالا آقای عدل يك بیاناتی فرمودند که بنده ناگرمم يك چیزهای دیگری هم عرض کنم. (عدل) اگر اجازه بدهید ما هم عرض میکنیم) - بالاخره تمام مستاجرین طهران مخصوصاً شاه آباد کراراً به مجلس شکایت کردند و کمیسیون عرایض قرار شد و رأی داد که در مجلس قرائت و مذاکره شود و قضیه مطرح بشود و يك نتیجه از آن گرفته شود. گویا آقای رئیس صلاح ندانستند و موکول کردند باینکه در اطرافش يك مطالعات و نظریات بیشتری شود بنده هم با نظر شما کاملاً موافقم که حالا يك تصمیمی راجع مال الاجاره گرفتن صلاح نیست برای اینکه جلوگیری از عمران و آبادی می‌کند ولی در این قسمت آنطرف قضیه را هم نگیرید بگذارید بهمین ترتیب قضیه بگذرد. ناوقتی که در طهران آبادی بیشتری شد و عمران زیادتر شد مغازه و دکاکن بیشتر شد و خانه‌های خوب ساخته شد آنوقت قهراً برای اجاره ما هم يك تربیتی مقرر خواهد شد و این شکایت هم بالطبع کمتر خواهد شد شاید محتاج

بوضع قانون هم بشود. اگر شما احساسات عمومی در نظر بگیرید این است که ما الان يك تصمیم اتخاذ کنیم و مال اجاره را پائین بیاوریم ولی از نقطه نظر آبادی ما نکرديم پس به عقیده بنده خواست شما موافقت نفرمائید که این ماده بهمین طور بگذرد و ما نیست حالا بیش از این در این مورد مذاکره (صحیح است)

رئیس - رأی می‌گیریم موافقین با کفایت مذاکرات قیام فرمایند. (جمعی قیام کردند)

رئیس - کافی است - پیشنهادی از آقای فیروز آبادی رسیده قرائت میشود:

بنده پیشنهاد میکنم در ماده لفظ و امثال این حذف شود.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده متأسفم که در تمام امور قوانینی در شرع معین شده که مراعات همه اینها حالا این قوانین باشد. خوب. این جا لفظ امثال «تولید يك محظوراتی میکند در دکان می‌گردد صاحب نسبه داده و مشتری تهیه کرده آباد کرده چه کرده نمیشود او را يك مرتبه بیرون کرده مغازه مثل دکان است کاروانسرا هم مثل اینها است. امثال آن چه چیز است؟ يك لفظ کشداری است و خیلی چیزها میشود که همه روزه در اینجا مذاکره خواهد شد که آیا فلان چیز داخل در مغازه است یا نه؟ و این اسباب اشکال خواهد همه روزه بین مالک و مستاجر از این جهت تقاضا دارم و پیشنهاد کردم که لفظ امثال آن حذف شود تا همه روزه اسباب اشکال تراشی ننهد و هر به تکلیف خودش رفتار کند خوب بنده پیشنهاد داده ام این را داخل در چه چیز قرار میدهند دکان و مغازه است یا نه؟ و این مسئله در

گیری اسباب زحمت میشود پس بهتر میدانم این امثال آن برداشته شود تا مردم تکلیف خودشان بدانند.

وزیر عدلیه - آقا يك دفعه دیگر نفرمائید

(بشرح فوق دو باره خوانده شد)

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم آن قسمت اول منظور که فرمودند چیز هائی را که لازم است بگرد و همانطور که فرمودند امثال آن لفظ کشداری بنده قبول میکنم

رئیس - پیشنهادی هم آقای آقا سید یعقوب تکمیل همین نظریه کرده اند قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم عوض کلمه (امثال آنها) نوشته شود: کاراژ و پنجال.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقای سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه بنده نظرم این است غالباً هم خدمتشان عرض کرده ام که در قانون لفظ امثال گذاشتن اسباب سوء استفاده برای مجری و غیر مجری بود. مقصود از امثال آن اگر حمام یا کاراژ یا پنجال بگوئید اگر حمام یا پنجال محل تنازع واقع شد آنهم بجهت بگذرد. حالا اگر این ها را داخل در دکان بنده و کاروانسرا می‌دانید قبول کنید که امثال آن حذف شود بنده هم موافقم غرض این است که کاراژ پنجال مثل مغازه و دکان است خوبست توضیح داده و لفظ امثال برداشته شود.

وزیر - آقای وزیر عدلیه موافقت کردند که لفظ برداشته شود بنده هم موافقت میکنم. نظر شما هم موافقت میکنم. بسیار خوب مختارید بنده گفتم اضافه شود. شما آن پیشنهاد را قبول کردید

رئیس - رأی می‌گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقابانیکه موافقتند قیام فرمایند. (چند نفری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. دو پیشنهاد از آقای عدل و طاهری بحذف ماده رسیده قرائت میشود: مقام منبع ریاست دامت عظمة.

پیشنهاد میشود ماده ۹ حذف شود. طاهری پیشنهاد میکنم ماده ۹ حذف شود عدل رئیس - آقای عدل

عدل - اولاً بنده لازم است توضیح بدهم که نه حمام دارم و نه دکان و نه کاروانسرا و این فرمایشی که آقای یاسانی فرمودند بنده تصدیق میکنم که خیلی منطقی است ولی این نکته را هم باید رعایت کرد که در این مملکت يك وقتی بود که يك کسی می‌آمد پنجاه تومان صد تومان مایه میگذاشت دکان میساخت و این را اجاره میداد بماهی بازده قران دو تومان. دیگر آنوقت این ترتیبات نبود. مستاجر حرف میزند ولی مالک که هیچ حرف نمیزند باید از طرف او هم حرف زد و انصاف داد. آنوقت دیگر هیچ نمی‌آمدند بگویند بمالک که جزهای دکان باید سنگ خاقتی باشد و ذرعی شش تومان پنج تومان باید پول بدهی آن وقت نمی‌گفتند که درب دکان باید يك دری باشد که اقلاً دو بیست تومان تمام شود. آنوقت فشار نمی‌آوردند که تیرها باید آهنی باشد که تا سال پیش خرورای بیست و پنج تومان بوده حالا هفتاد تومان هشتاد تومان شده. نمی‌گفتند شیروانی را باید آهن کنی که تا سال پیش خرورای سی و دو تومان بود حالا هشتاد تومان است. این ها يك مخارجی است که تحمیل میشود از آنطرف هم نسبت بمالک يك تسهیلاتی قائل نشده اید همه جور فشار نسبت بمالک است برای اینکه وضعیات شهر خوب شود. پول هم که در این مملکت خودتان میدانید که بجمده الله کمتر از تومانی سه شاهی

يك عباسی نمیدهند بلدیہ وقتی که آمد يك جائی را خراب کرد ملکش از دستش می‌رود و يك نما مجبور است بسازد که مقداری خرج دارد. آنوقت این به حکمیت رجوع کنند برای اینکه سه تومان پنج تومان کرایه معین کنند بنده عرض میکنم این ماده خیلی مهم است. وقت هم گذشته استدعا دارم جلسه را ختم بفرمائید بعضی حرف هاست که در اینجا نمیشود زد در خارج می نشینیم با هم مذاکره میکنیم تربیتی میدهم که نه سیخ بسوزد و نه کباب بنده صاحب مستغلات نیستم ولی استدعا دارم يك نظر موافقتی در این ماده داشته باشید.

وزیر عدلیه - اولا میدانید که بنده در کاری اصرار نمیکنم ولی وقتی که اصرار میکنم .. دو سال است بنده قضیه را مطالعه کرده ام دولت نمیتواند بیاید يك کاری کند که يك عدم زیاده از مردم در زحمت باشند. (صحیح است) بنده از برای این نکاتی که آقا میفرمایند بود که گفتیم يك اشخاصی در نظر گرفته شوند و آنها حکم بدهند و به حکمیت قطع شود و الا می بایستی بگوئیم بله این شخص مالک است ولی حق ندارد که بگوید چیزی را که سال قبل بیست تومان اجاره میداده حالا هفتاد تومان بدهد ما میخواستیم این کار را بکنیم ولی این هم مقتضی عدالت و انصاف نیست. از آنطرف هم همین نکات را بنده در نظر گرفتم که يك قانونی نیاردم به مجلس و از آقایان اکثریت خواهش کنم که رأی بدهند که مالکین حق نداشته باشند از فلان مقدار بیشتر اجاره بگیرند. آنوقت مالکین نباید از این وضعیت سوء استفاده کنند که از برای اینکه هزار تومان خرج میکنند (که پول تومانی يك شاهی بیشتر نیست) چهار تومان پنجاه تومان اجاره بگیرد. این وضعیت را نمیشود برای خاطر چند نفر مالک از بین برد - سه سال است بنده در این قضیه مطالعه کرده ام تنها راه حل و منحصری که هست همین است. تمام شقوق این امر را در نظر گرفته ایم مکرر (آقایان کمسیون عدلیه میدانند و قبل از این هم مطالعه کرده اند)

در این باب صحبت شده و شقوق مختلفه در نظر گرفته و راه حلی بهتر از این که معین کرده ایم - لا ندارد خواهش دارم آره یا نه حالا تکلیف این قضیه را بفرمائید. آخر وقت است چیست؟ طرفین قضیه معلوم است. يك عده مخالفند يك عده موافق. خوب اگر تکلیفش را معلوم فرمائید جلسه را ختم کنیم یعنی چا رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای عدل را ...

اعتبار - قابل رأی نیست در ضمن رأی ماده تکلیف معلوم میشود. آقایانیکه می خواهند رد شود رأی میدهند رئیس - اینطور نیست آقا. باید دید این پیشنهاد قابل توجه میشود یا نه آنوقت بعد می تواند تطبیق پیدا کند پیشنهادی است شده باید رأی گرفت. آقایان پیشنهاد آقای عدل را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای عدل و آقای طهرانی هم طبعاً مردود است. رأی میگیریم هم با حذف جمله (و امثال آن) پیشنهادی آقای فیروز آبادی (روحی) بنده پیشنهاد داده و متذکره است (نمیشود ...) که آقای مخبر و آقای وزیر قبول کردند آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دهم. ماده دهم - در صورتیکه مدعی تصرف عدوانی این قانون شکایت نکرده باشد می تواند در مدت قانونی موافق مقررات اصول محاکمات حقوقی مربوطه صلاحیه رفتار نماید.

رئیس - مخالفی ندارد؟ (خیر) موافقین قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای احتشام بعنوان ماده یازدهم.

ماده ذیل را پیشنهاد میکنم: ماده ۱۱ - این قانون از اول تیر ماه ۱۳۰۹ بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

احتشام زاده - عرض میکنم چون باید تاریخ اجرای این معلوم باشد و در کمیسیون عدلیه هم مذاکره شد تاریخ اجرا باید معلوم باشد و قرار شد که پیشنهاد رد شود این است که بنده پیشنهاد کردم.

وزیر عدلیه - بنده موافقم. رئیس - نظر آقای مخبر چیست؟ مخبر - موافقم

رئیس - رأی گرفته میشود باین پیشنهاد ماده یازدهم باین موافقین قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده الحاقیه پیشنهاد آقای عدلیه احمدی:

مقام منبع ریاست معظم مجلس شورای ملی دامت عظمه ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم: هرگاه کسی اقدام فرقات جدیدی در جوار قنوت متصرفی دیگری بنماید اقدام به تکمیل قنوتی (ارقبیل نوکی تنقیه یا کعبری) در مجاورت قنوت متصرفی دیگری واقع است بکند همچنین هرگاه بخواهد رشته قنوتی را از زیر مجرای قنوت متصرفی دیگری عبور دهند و در هر حال بیسم برآورد مطابق مواد اول و دوم این قانون جلوگیری خواهد شد.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض کنم که آقایانی که کاملاً بلند از جردن محاکمات خاصه در جنوب ایران مطلعند که خیلی این مسئله محل گفتگو است که نمی دارند اشخاصی که متصرف هستند و اشخاصی آیند در حریم آنها و قنوتی حفر میکنند و در

آنموقع باید محلی باشد که جلوگیری کند و آن اشخاص تظلم خردشان را به آن جا بکنند که جلوگیری بکنند از آن کار زیرا که می آیند در حریم آن قنات يك قنات دیگری حفر می کنند با از زیر آن قنات قناتی میکنند که بکلی آن قنات اولیه خشک میشود الان بنده در خود کرمان اطلاع دارم که دو قنات هست که از يك قنات دیگر رد کرده اند و بکلی آن قنات را خشکانیده اند از این جهت بنده در کمیسیون عدلیه این پیشنهاد را کردم و مخصوصاً خاطرهم هست که آقای عدلیه فرمودند که در مجلس صحبت بکنند این است که بنده این ماده را پیشنهاد کردم که اگر محل تظلمی برای این جور چیز ها معین بفرمایند بسیار خوب است

وزیر عدلیه - آقا همانطور که میفرمایند در کمیسیون عدلیه هم این فرمایش را فرمودند بایشان گفتم که الان نمیتوانم قبول کنم ممکن است بگذارید تا وقتی که شور دوم این لایحه در مجلس میشود من مطالعه کنم بعد به بینم میتوانم موافقت کنم یا خیر و آقای دکتر طاهری هم در این زمینه امروز صبح فرمودند و پیشنهادی داشتند و امیدوارم که دیگر ندهند. عرض کنم که مسئله را بنده مهم تر از این میدانم که امروز بتوانم درس اظهار عقیده کنم و در این مملکت این مسئله اهمیت فوق العاده دارد چون قضیه آب قضیه حیاتی است و نمیشود آن را بیابند بگویند که باین ترتیب در دست يك حاکمی یا نایب الحکومه بدهیم که جلوگیری کند چون يك کسی که يك قناتی حفر میکند يك مسئله بزرگی است و تصدیق هم داریم وقتی يك کسی می آید زیر يك قنات قناتی حفر میکند آب آن قنات را میبرد پس در عین تصدیق باین که قضیه قابل ملاحظه است بنده از آقا خواهش میکنم که چون وزارت عدلیه لایحه تهیه کرده است که امروز صبح هم پاکت نویس شد و حاضر شد و بنده پس از يك ملاحظه می آورم

به مجلس و آن لایحه راجع به قنوت است بطور کلی و شقوق مهمی هم دارد بگذارید وقتی که بنده آن لایحه را آوردم در ضمن آن لایحه بایستی مطالعه بیشتری بکنیم آنوقت به بنیم که این مسئله چه باید بشود و حالا خواهش میکنم این پیشنهاد را مسترد بفرمایند برای این که بنظر بنده این کار و این فکر در ضمن این پیشنهاد نامین نمیشود و آن لایحه زود می آید.

مؤید احمدی - در صورتیکه لایحه که میفرمایند در این موضوع است به مجلس خواهد آمد بنده مسترد میدارم. رئیس - پیشنهادی از آقای وثوق رسیده است. آخرین پیشنهاد است:

پیشنهاد آقای وثوق

مقام عالی ریاست مجلس مقدس شورای ملی ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد مینماید
 مأمورین در ماده ۱ و ۲ هر گاه حکمی برخلاف صادر نمودند بعد از ثبوت مسؤل خسارت وارده بمالك یا متصرف خواهند بود
 رئیس - آقای وثوق

آقای اسید مرتضی وثوق - وقت گذشته است از آقایان عذر میخوام ولی متأسفانه آقای آقا سید یعقوب پیشنهادی که کردند در ماده چهار که يك جمله بود که حقیقه به نفع مردم بود که مأمورین با آن جمله نمی توانستند يك کار های خلافی بکنند و آن جمله حذف شد بنده عین آن عبارت را پیشنهاد نکردم و اگر مجلس به این پیشنهاد رأی بدهد و قابل توجه بشود چیز خوبی است که اگر يك نایب الحکومه يك حکمی داد و يك ملک از تصرف متصرف حقیقی آن خارج شد و داد بکسی دیگر البته باید بروم در محاکم اداری وزارت عدلیه و آن شخصی که من غیر حق حکم داده است خسارت این آدم را باید بدهد و استیناف که میدهند برای نقض این حکم است اما خسارت را از کسی باید

بگیرند بنده عقیده ام این است که اگر موافقت بفرمایند که مسؤل خسارت وارده هم باید باشند خیلی خوب است. این عقیده بنده است.

وزیر عدلیه - گویا به صحبتی که بنده کردم توضیحاتی که دادم در موقع پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب گویا توجه فرمودید بنده عرض کردم اگر این آدم روی غرض آمده باشد و اینکار را کرده باشد مسؤل است و مجازات هم دارد و لازم هم نیست در این قید شود و اگر خیر اشتباه کرده باشد غیر ممکن است در هیچ جای عالم يك مأموری که اشتباه کرده است مؤاخذه نمیکند پس بنا بر این هر حاکم بداشتباه حکمی داد و در استیناف آن حکم نقض شد باید قاضی را بیاورند و محاکمه کنند خیر این ترتیب نبود آقای در زندگانی خودشان اشتباه نکرده اند و اشخاصی که اشتباه کرده اند باید مسؤل قرار دادند کدام ماها نمیتوانیم بگوئیم که اشتباه نکرده ایم نمیتواند اشتباه نکند بشر نمیتواند خبط نکند و پیشنهاد خودتان را مسترد بفرمائید بهتر است.

وثوق - مسترد می کنم

رئیس - مذاکره در شور ثانی است.

مخبر - اجازه میفرمائید. قبل از ورود در کتب شور ثانی بنده توضیحی عرض کنم.
 رئیس - بفرمائید.

مخبر - آقایان نظرشان هست که در بعضی موارد محاکم ابتدائی هست بدون این که صاحبی باشد مثلاً فرضاً استرآباد، زنجان، شاهرود این جور جاها محاکم ابتدائی هست و وظایف صحنیه را هم انجام میدهد بموجب قانون تشکیلات. بعضی جاها هم هست که صلاحیه علیج دارد مثل بار فروش مثل قزوین، مثل عراق آنجا هم که صلاحیه علیجده است و محاکم ابتدائی علیجده در پنجم که این جا قید کردیم که مرجع شکایت از حکم

بنی العموم بدایت است و مرجع شکایت از حکم حکام نایب الحکومه ها صلاحیه است در آنجا هائی که صلاحیه است مثل قزوین و عراق مطلب روشن است ولی آنجا ای که صلاحیه جدا گانه نیست و محکمه ابتدائی کار صلاحیه را میکند ممکن است يك اشتباهی از نقطه نظر نفیس مرجع پیدا شود زیرا که اگر نایب الحکومه ایان يك حکمی کرد و مورد شکایت شد آنوقت باید بود که چون صلاحیه در قم نیست و حال آنکه جزء آن حوزه است باید بروم در صلاحیه عراق یا جای دیگر. ای رفع این شبهه بنده خواستم توضیح بدهم که چون محاکم ابتدائی در این جور جاها کار صلاحیه را هم میکند مرجع شکایت از احکام حکام و نایب الحکومه ها همان محاکم ابتدائی خواهد بود یا این که این جا نوشتیم که محاکم ابتدائی مرجع شکایت از مدعی العموم است بلکه صلاحیه مرجع شکایت احکام نایب الحکومه ها است محاکم ابتدائی که محاکم صلاحیه کار صلاحیه را میکند حکم همان محاکم صلاحیه است برای این که در عمل اشکالی نشود بنده این توضیح را لازم میدانم.

رئیس - آقای دهستانی ما اعلام شور ثانوی کردیم در الحاقیه دیگر موضوعی ندارد. آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب - این جا در شور ثانی چون آقایان هم صحبت کردند برای توضیح مطلب خواستم توضیحی داده شود که عوض امثال آن باید يك چیزهای دیگر را هم ضمیمه کنیم البته ما نمیتوانیم مهمانخانه را در خانه قرار بدهیم باید مثل مغازه و دکان قرار دهیم در کاراژ و حمام اگر نزاع واقع شد. (کازرونی) - همان نزاع واقع نمیشود. حمام را ول کن بگذار همینطور (آقا) آقا يك قانونی است مردم گرفتارند فردا باید در موضوع چه بکنند اگر سر مهمانخانه مرافعه شد میکنند این شخص که در این مهمانخانه است باید برود و در این جا عمل میشود به ماده ۹ یا عمل میفرماید هفت اگر عمل میشود بماده ۹ آن ماده شامل آن میشود اینجا چکار میکنند عقیده بنده

این است که در اینجا توضیح بدهند که در آن جائیکه شهرت اسباب زیاد شدن قیمت آن میشود چکار کنند يك کسی حمام دارد و يك شخصی است که حمام دار اینجا است که خیلی محترم و معتبر است که بواسطه وجود این شخص توجه نسبت باین حمام بیشتر از جاهای دیگر است شهرت این شخص این کار را کرده است حالا که ما آمدیم در دکان این کار را کردیم و گفتیم که بحکمیت رجوع کنند این جور جاها هم باید این کار را بکنیم شورین چندین سال است شهرت پیدا کرده است و شهرت آن جزء سرمایه دکان واقع شده است ناچار باید مسئله حکمیت را قرار بدهیم اگر در مهمانخانه یا حمام هم همین موضوع موجود شد در کاراژ هم همین معنی موجود شد باید این کار را بکنیم يك بخیالی است مواظبت میکند اول پائیز و آب پاک در آن میریزد و بخ آن خوب است این شخص در این بخیال شهرت دارد در موضوع کلمه امثال آن شامل آن میشد حالا که آنرا بر داشتید لا اقل این قسمت ها را در صورت مجلس بگذارید و توضیح بدهید که در عمل معلوم باشد کلیات آخر برای این است

مخبر - شاید از ماده هم بنظر بیاید که حق با آقای آقا سید یعقوب است ولی تصدیق میفرمائید که اگر ما این مسئله را بخواهیم توضیح بدهیم تنها شامل مهمانخانه و بخیال و اینها نیست بسیاری از مستغلات هست که همان حکم را پیدا خواهد کرد از قبیل آسیا و غیر ذلك بالاخره این قانونی است که آزمایش در عمل نشده است شما تأمل بفرمائید همینطور که گذشت یکی دو سال عمل بشود بعد در عمل اگر اشکالی داشت دولت می آورد و عوض میکند و در کلیات هم نمیشود برای این که قبول شد (و امثال آنها حذف شود) دیگر با توضیح این مسئله را درست کرد و معنای دیگری برای آن قائل شد

رئیس - آقای طلوع

طلوع - بنده اساساً با این لایحه مخالفم و عقیده دارم

این لایحه کاملاً برای این مملکت مضر است بنده خیلی تعجب میکنم بعد از بیست و چهار مشروطیت بعد از زحمتی که آقای داور برای تشکیلات عدلیه کشیدند و بقول خودشان عدلیه دنیا پسند درست کردند (آقا سید بقول بقول همه) یا بقول همه با بقول بنده حالا تشکیلاتی داده اند و زحمتی کشیده اند ولی تازه آمده اند برای مأمورین عهد عتیق وزارت داخله حق قضاوت قائل شده اند و بالاخره اینها را قاضی معرفی می کنند به مملکت چه طور مأمورین وزارت داخله حق قضاوت دارند آنهم تصرف عدوانی که مبتلا به همه مردم ایران است بنده هر چه فکر میکنم که اساس این مسئله روی چه فکر است نمیدانم بعد هم آقای وزیر عدلیه: این موضوع تماس با توده دارد یعنی بازاریان و دهاقین آن همه نمایندگان ایالات و ولایات از مأمورین مالیه شاکی هستند چرا شاکی هستند؟ برای این که کار آنها تماسی با مردم دارد برای این که شما خودتان میدانید که قانون را رعایت نمیکنند و از قانون سوء استفاده میکنند نمیگویم برخلاف عمل میکنند ولی سوء استفاده میکنند هنوز مردم از مأمورین مالیه راحت نشده اند ما می آئیم مردم را گرفتار مأمورین وزارت داخله میکنم در تمام قراء و قصبات و در تمام کوه پایه ها مأمورین وزارت داخله مزاحم مردم خواهند شد تصرف عدوانی در موضوع دهاقین و زارعین حقیقه با حیات آنها تماس دارد حالا آقای حاج سید محمود آقای طالبخان نمایندگان محترم گیلان میدانند که آن موقع زراعت گیلان است و زارع متأسفانه عامل زراعتش همان گاو از عهد عتیق است که باقیمانده است و این زارع اگر بخواند یکساعت از عمل زراعت و فلاحت صرف نظر کند بکلی محصولش از بین میرود و حکام و نایب الحکومه ها در تمام قراء و قصبات هستند بنده یاد دارم که در دوره ششم همین آقایان نمایندگان اعتراض میکردند که نواب حکام بی حقوق چه معنی دارد و متأسفانه هنوز از مملکت

برداشته نشده است و هنوز در قراء و قصبات این مملکت نواب حکام بی حقوق هستند که هر کدام آرد ده پانزده نفر فراش از عتیق دارند و اینها تنگی دهنده تصرف عدوانی هستند که گاو کسی را که یکسال قبل یک نفر برده است این باید در تصرف آن متصرف باشد تا بعد و صاحب گاو باید بی استیفاءً به محاکم صلح یا محاکم ابتدائی رجوع کند اولاً بنده بشما اطمینان میدهم که زارع برای خود اینک نمیتواند ده فرسخ یا پنج فرسخ برود و به مراجع کند نخواهد آمد به محاکم بنده تصور میکنم که آقای وزیر عدلیه لایحه خواهند آورد که تشکیلاتی صالحیه در تمام قراء و قصبات را تقدیم مجلس خواهد کرد حالا که شما میخواهید به فراشها حق قضاوت بدو صالحیه درست کنید و طوری بکنید که مردم از حق مدنی استفاده بکنند بنده یک روز در همین مجلس عرض کردم حالا که مردم پول میدهند باید برای مردم خرج بکنید دولت نباید چشم داشت بمشغ دانسته باشد پولی که از مردم میگردد برای مردم باید خرج کند مردم از محاکمات حقوقی استفاده ببرند مگر در قراء و زارعین چه گناهی کرده اند که تشکیلات حقوق مدنی استفاده ببرند نباید از قوانین مملکت استفاده ببرند (روحی - بودجه نیست) حالا آمدیم سر این مسئله بنده میخواستم که این را این جا عرض کنم حالا که آقای وزیر عدلیه یا آقایان دیگر در جری بنده میفرمایند که بودجه نداریم در صورتیکه این نیست و بودجه داریم در چندی قبل که لایحه حق مدنی مطرح بود بنده عرض کردم که بطور غیر مستقیم میلیون اضافه مالیات امسال مردم میدهند بعد آن وزیر عدلیه فرمودند که اگر ثابت بکنند که ده میلیون اضافه مالیات است این را پس میگیریم بنده اینجا خواستم ولی به بنده اجازه داده نشد آن در این باره به آقایان تذکر میدهم که ما ده میلیون اضافه عاید رأی دادیم چطور؟ یک میلیون و نیم که برای حق

آن عمل شما در گمرک چه جور است؟ شما عملی که آن در عایدات گمرک میکنید مثل یک ماه قبل و مثل قبل از تصویب قانون نقود عمل میکنید؟ خیر در ماده قانون کلیه حقوق گمرکی و حق انحصار قندوشکر و چای از روی ریال طلا اخذ میشود در صورتیکه در ماده بودجه مان قانون قید شده است که بعد از یکسال تعیین سالی ریال طلا و قران لایحه اش تهیه و تقدیم مجلس شورای ملی خواهد شد که پس از تصویب بموقع اجرا گذارده شود مطابق آن قانون و دستوراتی که صادر گردید آن در گمرک قران را روی اساس ریال طلا حساب میکنند یعنی لیره طلا و پوند طلا میگیرند و هر ده ساله قران شما اضافه عایدات دارید (بعضی از نمایندگان قران) حالا شما میفرمائید دو قران ولی بنده حساب کرده قران میشود و از این نقطه نظر مجموع کل عایدات از این راه دست می آید هفت میلیون است که از این دست میگردد حالا این را هم عرض میکنم میگوئیم از هزار هم نیست در صورتیکه بنده اطلاعاتم در این باره محسوس کامل است آقا شما در بودجه برای حکام پانصد پنجاه هزار تومان معین کرده اید و اینها یک مخارج از العاده هم دارند که در حدود هفتصد هزار تومان بود خوب حکام شما در ایالات و ولایات چه صدقه میدهند اگر از نظر حقوقی است که شما قاضی دارید اگر نظر امور جناحه و جنائی است که پارک هست اگر نظر نظامات شهربانی است که نظمیست و وظیفه حاکم چیز است کدام قانون برای حاکم و وظیفه معین میکند شما فرموده (قانون تشکیلات) اساساً بیائید و این مدار و پنجاه هزار تومان را اختصاص بدهید برای تشکیل حاکمها و بعقبه بنده این مبلغ برای تشکیل صالحیه ها در تمام قراء و قصبات کافی است که صالحیه ها در دسترس باشند که مردم کمتر گرفتار باشند و مردم را راحت بدارند شما میخواهید مردم را گرفتار مأمورین وزارت داخله بکنید بنده نمیدانم چه خواهد شد آقای وزیر عدلیه از تمام قضایا اطلاع دارید و میدانید بنده چه عرض میفرمایم که مأمورین چقدر سوء استفاده از

قانون میکنند و میدانند که مأمورین شما چقدر مردم را در فشار میگذارند بیش از این دیگر بنده مزاحم نمیشوم و استدعا میکنم که نگذارید این لایحه در مملکت اسباب زحمت بشود.

وزیر عدلیه - اگر این تکلیف را آقا در ابتدا کرده بودند و در شؤر اول یک مذاکرانی فرموده بودند و میگفتند که این لایحه را پس بگیرد شاید ممکن بود که بنده اینکار را بکنم ولی تصدیق میفرمائید که بعد از این که بنده یک لایحه را شور اولش را باخر رساندم و شور دومش هم به آخر رسیده است حالا هر قدر هم اظهار مرحمت به بنده بکنند و در ضمن آن هم بخوانند یک تکلیف کوچکی به بنده بکنند که عبارت از پس گرفتن لایحه باشد بنده نمیتوانم قبول کنم چون الان موقع گذشته است و اکثریت مجلس اینطور تشخیص داده است عرض کردم اگر اول فرموده بودی ممکن بود بنده تردیدی پیدا کنم ولی حالا با این رأی که داده شده است چطور میتوانم این کار را بکنم. راجع به عایدات هم که فرمودند این را هم عرض نمیکنم برای اینکه عایدات را پس از ششماه می شود پیش بینی کرد که مقدار وصولش چه قدر است راجع به بودجه تشکیلات عدلیه فرمودید بنده کی آمدم و شما گفتیم در چه تاریخی که وزارت عدلیه میخواهد در تمام قراء و قصبات صالحیه درست کند و بودجه اش کم است و نمیتواند در تمام نقاط صالحیه درست کند بنده هیچ این را نگفتم بنده عرض میکنم که هر درجه که بنده بتوانم آدم تهیه کنم و حاضر بکنم و تشکیلات لازم باشد دولت به بنده پول میدهد و تشکیلات خواهد داد ولی اگر چنانچه ما بیائیم و بیسط تشکیلات قضائی بدهیم بدهیم و یک اشخاصی را سر آن کار بگذاریم خوب همین عده مستخدمین وزارت داخله هستند این عده که مأمور وزارت داخله هستند اگر ما بخواهیم این قبیل اشخاص را بگذاریم خود آنها هستند اینجا هم ما که نوشته ایم که هر فراشی که مأمور وزارت

داخله است این کار را بکند ما کفتم کسانی که وزارت عدلیه یعنی آن وزارتخانه که شما باو کفتمید آدم درست بکن و تشخیص بده تشخیص داد که این حاکم میتواند باین کار رسیدگی کند این حق را بهش میدهم خوب وقتی که این تشخیص صحیح است یک نفر آدمی را که تازه بیاوریم و حقوقی برای او معین کنیم می شود باو اطمینان کرد اما وقتی که میگوید نایب الحکومه را که یک مدتی هم در کار بوده است من تشخیص میدهم که این آدم میتواند این کار را بکنند این تشخیص صحیح نیست و نمیتواند این قضاوت را بکند (طلوع) - او نمیتواند قضاوت بکند (شما چرا این قدر در کارها افراطی هستید اگر این طرف نشد آن طرف اگر بنده نتوانم در تمام کوره دهات یک قاضی درست کنم آنوقت تمام تشکیلات قضائی را باید از بین ببرم ؟ نه بنده میگویم ما حالا یک عده قاضی داریم و بعد هم یک عملیاتی میکنیم فعلا این اشخاص را که وزارت عدلیه تشخیص میدهد این کار را میکنند اگر بر فرض این آدم بد بود رسیدگی میکنیم و مسؤولیت دارد و بعلاوه حکم آهم که قطعی نیست و میشود رفت از شکایت کرد پس بنا بر این بنده خیال میکنم که بر خلاف نظریه ایشان که فرمودند این کار در عمل دچار اشکال خواهد شد این جا نظر خوش بینی دارم حالا یک تجربه کوچکی می کنیم اگر خدای نکرده دیدیم که هوا یک قدری بد شد این مأمورین سوء استفاده میکنند از این قانون آنوقت ما می آئیم و میگوئیم خیر آقا و امتحان کردیم دیدیم از عهده شان ساقط است ولی اگر بر خلاف همانجوری که اکثریت و بنده اعتقاد داریم دیدیم که خیر آنها بد کار نکردند آنوقت این کار را بدست آنها انجام خواهیم داد جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی میگیریم به این قانون مشتمل بر یازده ماده موافقین قیام فرمایند .
(اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد .

[۸ - موقع و دستور جلسه بعد]

رئیس - کار آماده در دستور نداریم و مطلب تحقیقاتی که از دولت و کمیسیونهای مربوطه کردیم کارهای آماده دیگری ندارند چون یکشنبه جلسه آینده را مین خواهیم کرد و روز جمعه عید اضحی است مبادیستی اقتراع کنیم .

[۹ - تقدیم لایحه تغییر یکی از مواد اصول محاکمات حقوقی]

وزیر عدلیه - یک لایحه ایست که تقدیم میکنم به تغییر یکی از مواد اصول محاکمات حقوقی [۱۰ - اقتراع برای شرفیابی حضور اعلی حضرت

همایونی در روز عید اضحی]

(آقای مؤید احدی (منشی) اقتراع نموده آقایان ذیل معین گردیدند)
محمد حسنخان مسمودی - ملک آرائی - سید ابراهیم ارگانی - قوام - سید کاظم یزدی - دادگر (عضو هیئت رئیسه هستند) ذوالقدر - امیر تیمور کلانی - فولادلو یاسائی (عضو هیئت رئیسه اند) مخبر فرهمند (ایشان همینطور) فرشی - (خود بنده هم همینطور) آقایان پورعمر (بعضی از نمایندگان - غائبند) مهدوی - کفائی

رئیس - تأمل فرمائید از کمیسیونها کمیسیونهای و کمیسیون قوانین مالیه و کمیسیون امور خارجه (کمیسیون کار خودش را انجام داده است) نما دارم کارهای خودشان را انجام دهند و مخصوصاً کمیسیون لایحه راجع به بلدی را انجام بدهند که در جلسه آینده طرح کنیم جلسه آینده یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ساعت قبل از ظهر

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - داد

قانون

اجازة مبادله عهد نامه مودت بین دولتین ایران و هلند

ماده واحده - مجلس شورای ملی در جلسه ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ عهد نامه مودت بین دولت ایران و هلند که مشتمل بر چهار ماده و یک پرتکل اختتامیه و در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۰۸ (۱۲ مارس ۱۳۰۹) سفند شده است تصویب نموده و اجازه مبادله نسخ ضحه شده آن را بدولت میدهد

این قانون که مشتمل بر یک ماده و متن عهد نامه ضمیمه است در جلسه ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ تصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

عهد نامه مودت بین دولتین ایران و هلند

اعلیحضرت شاهنشاه ایران از یک طرف و علیا حضرت ملکه هلند از طرف دیگر چون بتحکیم روابط دوستی قدیمی بین مملکتین مایل میباشند با انعقاد معاهده نامه مودت تصمصم نموده و برای مقصود اختیار داران خود را معین نمودند

اعلیحضرت شاهنشاه ایران

حنا میرزا محمد علی خان فرزین وزیر امور خارجه

علیا حضرت ملکه هلند

مسیو لیندرت پیه ترزون دودگر شارژدافر هلند در طهران

مشار الیها پس از مبادله اختیار نامه های خود که آنها را صحیح و معتبر یاقند در مراتب ذیل موافقت نمودند .

ماده اول - بین دولتین ایران و هلند و اتباع مملکتین صلح خلل ناپذیر و دوستی صمیمانه دائمی قرار خواهد بود

ماده دوم - دولتین متعاهدین موافقت مینمایند که روابط سیاسی خود را بر طبق اصول و معمول حقوق المللی ادامه داده و متفقند نسبت به نمایندگان سیاسی هر یک از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاهد دیگر بر طبق معمول متقابل مطابق اصول و معمول حقوق عمومی بین المللی رفتار خواهد شد و در هر حال رفتار مزبور باید مآدین معامله باشد که نسبت به نمایندگان سیاسی دولت کامله الوداد میشود

ماده سوم - طرفین متعاهدین موافقت دارند کلیه اختلافاتی را که بین آنها در موضوع اجرا یا تفسیر مقررات عهود و قرار داد های منعقد یا کلیه عهود و قرار داد هایی که بعداً منعقد خواهد گردید منجمله راجع بماده این عهد نامه بظهور برسد و بوسایل سیاسی عادی در مدت متناسبی بطور دوستانه تصفیه آن ممکن نشده به حکمیت رجوع نمایند

این ترتیب در صورت لزوم برای تشخیص اینکه آیا اختلاف مربوط به تفسیر یا راجع به اجرای عهود و قرار داد های مذکور میباشد نیز اعمال خواهد گردید

حکم محکمه حکمیت برای طرفین الزام آور است
برای هر قضیه متنازع فیها محکمه حکمیت بنا به تقاضای یکی از طرفین متعاهدین بترتیب ذیل تشکیل
خواهد شد :

در ظرف سه ماه از تاریخ تبلیغ تقاضا هر يك از طرفین متعاهدین يك حکم که ممکن است از اتباع
خودش یا اتباع مملکت ثالثی انتخاب گردد تعیین خواهد نمود

اگر در انقضاء مدت سه ماه مزبور دولت مدعی علیها حکم خود را انتخاب ننموده باشد انتخاب حکم
مزبور عیناً بتقاضای دولت مدعی از طرف رئیس دیوان داوری دائمی بین المللی از بین اتباع دولت مدعی علیها
بعمل خواهد آمد در ظرف مدت دوماه دیگر (بعد از مدت سه ماهه مذکور) طرفین راجع بمضمون قرار
نامه حکمیت توافق نظر حاصل و موضوع اختلاف را به محکمه حکمیت ارجاع و صلاحیت محکمه را معین و موافق
اختلاف را مشخص و طریقه که باید برای تسویه امر اتخاذ شود تعیین مینمایند چنانچه مدت دوماه مزبور
منقضی و طرفین راجع به قرار نامه حکمیت موافقت ننمایند بترتیب دادن آن به محکمه محول خواهد شد که
دولت مدعی به آن مراجعه مینماید

اگر حکمین در ترتیب دادن قرارنامه در ظرف مدت دوماه از تاریخ که این امر بعهده محکمه حکمیت
محول شده بوصول توافق نظر نائل نشوند و یا نتوانند اختلاف را در ظرف مدت متناسبی که باید در نظامنامه
طرز حکمیت قید شده باشد تسویه نمایند طرفین متعاهدین باموافقت بیکدیگر سه حکم معین خواهند کرد ولی
این در صورتی است که موافقت نکرده باشند که متفقاً بیش از يك حکم انتخاب ننمایند این حکمها باید از اتباع
يك یا چند دولت ثالث باشند چنانچه طرفین در انتخاب حکمها یا حکم مذکور در ظرف مدت دوماه از تاریخ
که تقاضای تعیین آن حکم یا حکمها بعمل آمده موافقت حاصل نمایند طرفین مشترکاً یا در صورتیکه در ظرف دوماه
بعد از آنهم تقاضای مشترکی از طرف آنها بعمل نیاید هر يك از آنها که زودتر اقدام کنند از رئیس دیوان
داوری دائمی بین المللی تقاضا خواهد نمود که سه حکم ثالث را از اتباع دولت ثالثی معین نماید با موافقت طرفین
ممکن است صورتی از ممالک ثالثی که رئیس دیوان داوری دائمی بین المللی باید حکم یا حکمهای ثالث را منحصر
از اتباع آنها انتخاب نماید بمشار الیه تسلیم گردد

طرفین میتوانند راجع به تعیین سه حکم یا يك حکم ثالث برای مدت معینی قبلاً بین خود قراری بدهند
در صورتیکه مبادرت به تعیین سه یا يك حکم ثالث لازم شود و قراری بین طرفین راجع بطرز عملی که باید
از تعیین حکم یا حکمهای مزبور اتخاذ شود داده نشده باشد سه حکم متفقاً و در صورتیکه فقط يك حکم
ثالث باشد منفرداً به دو حکم اولیه ملحق شده و محکمه که باین نحو تشکیل شده طرز عمل خود را معین کند
و بتسویه اختلاف اقدام مینماید

کلیه تصمیمات محکمه حکمیت به اکثریت آراء اتخاذ میشود

برای هر اختلاف دیگری غیر از موارد اجرا یا تفسیر عهود یا قرار دادها که ممکن نشده باشد بجز
رضایت بخش از مجرای عادی سیاسی حل و تسویه گردد طرفین متعاهدین با احترام تعهداتی که بعنوان عضوین
جامعه ملل دارند موافقت مینمایند که جز بترتیبات مسألت آمیز برای تسویه امر تشبث ننمایند و در هر مورد
قرار نامه مخصوصی طرز عملی را که بنظر آنها مناسبتر از همه باشد معین خواهند نمود. بعلاوه طرفین متعاهدین

واظت دارند که وقتی هر دو بقرار داد عمومی حکمیت مورخه ۲۶ سپتامبر ۱۹۲۸ یا پرتکل مربوطه بصلاحت
چاری دیوان داوری دائمی بین المللی مورخه ۱۶ دسامبر ۱۹۲۰ ملحق نشوند مواد قرار داد عمومی و پرتکل
ذکور با وجود مقررات این ماده در موقع مجرا میشود

ماده ۴ - پس از تصویب این عهدنامه نسخ مصوبه هر چه زودتر مبادله خواهد شد و یکماه بعد از مبادله
بناد تصویب بموقع اجرا گذاشته میشود

بناء علیهذا اختیار داران طرفین این عهد نامه را امضاء و بمهر خود مهور نمودند

تهران - ۱۲ مارس ۱۹۳۰ (۲۱ اسفند ۱۳۰۸ شمسی)

امضاء - فرزین

امضاء - دکر

پرتکل اختتامیه

در موقع امضای عهد نامه منعقدہ امروز بین دولتین ایران و هلاند اختیار داران امضا کننده این اظهارات
که جزو لاینجزای عهد نامه میباشد نمودند

نسبت بماده ۳ - طرفین متعاهدین این حق را برای خود محفوظ میدارند که در انقضاء مدت دهسال از تاریخ
تسخیر مصوبه این عهد نامه در مقررات ماده ۳ تجدید نظر نمایند چنانچه یکی از طرفین متعاهدین ۶ ماه قبل
انقضاء مدت مزبور عدم میل خود را نسبت به بقای ماده ۳ اعلام بدارد ماده مزبور در موقع انقضاء مدت دهسال
گذر از اعتبار ساقط خواهد شد ولی در صورتیکه چنین اعلامی بعمل نیاید ماده مزبور برای مدت پنجسال دیگر
باعتبار خواهد ماند و بهمین نحو پنجسال مداومت خواهد داشت.

تهران - ۱۲ مارس ۱۹۳۰ (۲۱ اسفند ۱۳۰۸ شمسی)

امضاء - محمد علی فرزین

امضاء - دکر

اجازه مبادله عهد نامه مودت بین دولتین ایران و هلند بشرح فوق در جلسه ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اجازه مبادله عهد نامه مودت منعقدہ بین دولتین ایران و ایتالیا

ماده واحده - مجلس شورای ملی در جلسه ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ عهد نامه مودت بین دولت ایران و
ایتالیا را که مشتمل بر چهار ماده و يك پرتکل اختتامیه میباشد و در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۰۸
سپتامبر ۱۹۲۹) بین دولتین مزبور منعقد و از طرف نمایندگان آنها امضاء شده است تصویب نموده و
مبادله نسخ صحه شده آنرا بدولت میدهد

این قانون که مشتمل بر يك ماده و متن عهد نامه ضمیمه است در جلسه ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

عهد نامه مودت بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی ایتالیا

اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت پادشاه ایتالیا نظر باینکه مایل هستند روابط دوستی فیرو بین مملکتین را تحکیم نمایند بمقتد عهد نامه مودت تصمیم نموده و برای این مقصود اختیار داران خود را معین نمودند .

اعلیحضرت شاهنشاه ایران - جناب اشرف آقای مهدیقلی خان هدایت رئیس الوزراء

اعلیحضرت پادشاه ایتالیا - جناب ژولیودائو وزیر مختار و ایلچی مخصوص ایتالیا در طهران

ماده اول - بین دولتین ایران و ایتالیا و اتباع مملکتین صلح خلل ناپذیر و دوستی صمیمانه دائمی قرار خواهد بود

ماده دوم - دولتین متعاهدتین موافقت مینمایند که روابط سیاسی و قونسولی خود را بر طبق اصول معمول حقوق عمومی بین المللی ادامه دهند هر يك از طرفین متعاهدین نسبت بنمایندگان سیاسی و قونسول بكدیگر در خاک طرف متعاهد دیگر مطابق اصول و معمول حقوق بین المللی رفتار خواهد نمود و در هر بشرط معامله متقابل رفتار مزبور نباید مادون معامله باشد که نسبت بنمایندگان سیاسی و قونسولی دولت کامله وارد معمول میشود

ماده سوم - طرفین متعاهدین موافقت مینمایند اختلافاتی را که بین آنها بظهور میرسد و تصفیه آن بطور دوستانه در مدت مناسبی بوسائل سیاسی عادی ممکن ننگردد بطرز مسالمت کارانه تصفیه نمایند طرفین در مورد حق تعیین طرزی را که بنظر آنها موافقتر میرسد باموافقت نظر خاص طرف متعاهد برای خود محفوظ میدارند و نیز طرفین موافقت دارند که عنداللزوم یا وجود مقرراتیکه مذکور شد اگر طرفین بیک فوریه عمومی که جامعه ملل توصیه مینماید ملحق گردند فورمول مزبور را برای تصفیه تمام اختلافاتیکه با آنها متعلق است اعمال نمایند

ماده چهارم - این عهد نامه تصویب و مبادله نسخ مصوبه در اسرع اوقات ممکنه بعمل خواهد آمد عهد نامه بمحض مبادله نسخ مصوبه بموقع اجرا گذاشته میشود. بناء علیهذا اختیار داران طرفین که کامله بامر مجاز میباشد این عهد نامه را امضاء و به مهر خود مجهور نمودند - طهران ۵ سپتامبر ۱۹۲۹ - (مهدیقلی ژولیو دائئو)

پروتکل اختتامیه - در موقع امضای عهد نامه مودت منعقدہ امروز بین دولتین ایران و ایتالیا این داران امضاء کننده این پروتکل اظهار ذیل را که جزء لاینجزای خود عهد نامه میباشد نمودند. دولتین متعاهدین این حق را برای خود محفوظ میدارند که پس از آنکه ده سال از مبادله نسخ مصوبه عهد نامه مودت گذرد

مقررات ماده ۳ عهد نامه مزبوره را مجدداً تحت مطالعه قرار دهند - در طهران ۵ سپتامبر ۱۹۲۹ (مهدیقلی ژولیو دائئو)

اجازه مبادله عهد نامه مودت بین دولتین ایران و ایتالیا بشرح فوق در جلسه ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ داده شده است
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

طرز جلوگیری از تصرف عدوانی

ماده اول - در هر موردی که کسی مال منقول یا غیر منقولی را از تصرف متصرف بدون رضایت او خارج مینماید یا مزاحم استفاده متصرف میشود مامورین نظمی و در صورت نبودن آنها حکام و نواب حکام در صورت نبودن آنها مامورین امنیه مکلف هستند از مزاحمت یا اقدامی که برای تصرف عدوانی میشود جلوگیری نمایند اگر چه عمل مزبور باستناد ادعای حقی نسبت بآن مال باشد

ماده دوم - هرگاه کسی مال غیر منقولی را که در تصرف غیر بوده است عدواناً تصرف کرده باشد مامورین حفظ انتظامات عمومی باید با حکم کتبی مدعی العموم محل مال مزبور را بتصرف شاکي (متصرف اول) بکنند و این حکم وقتی داده میشود که از تاریخ تصرف عدوانی بیش از یکماه نگذشته باشد هر گاه از مقرر مدعی العموم تا محل وقوع تصرف عدوانی بیش از پنج فرسخ فاصله باشد حاکم یا نایب الحکومه که در این مورد از طرف وزارت عدلیه بسمت نمایندگی مدعی العموم معین میشوند حکم مذکور در فوق را خواهند داد این مورد حاکم یا نایب الحکومه باید در ظرف (۵) روز راپورت اقدام خود را برای مدعی العموم ارسال دارند ماده سوم - در مورد ماده فوق که حاکم یا نایب الحکومه سمت نمایندگی مدعی العموم را دارند مسئولین عدلیه بوده و رسیدگی بتقصیرات اداری آنها راجع بماده فوق با اطلاع وزارت داخله در محاکم اداری صورت عدلیه بعمل خواهد آمد

ماده چهارم - در مورد مواد (۱) و (۲) پس از اینکه مال در تصرف متصرف اول ابقاء یا مجدداً بتصرف او باشد و یا رقع مزاحمت از متصرف گردید دیگر مدعی العموم یا سایر مامورین مذکور در موارد فوق نمیتوانند از تصرف او خارج کرده یا تصمیمی مخالف تصمیم سابق خود اتخاذ کنند.

ماده پنجم - مامورین مذکور در ماده (۲) حکم خود را نسبت بتصرف عدوانی باید کتباً بمدعی الیه ابلاغ و بلافاصله آنرا بموقع اجرا گذارند از این حکم تا ده روز پس از ابلاغ میتوان استینافاً شکایت کرد مرجع آن اگر حکم از طرف مدعی العموم بوده محکمه بدایت محل و اگر از طرف حاکم یا نایب الحکومه بوده نزدیکترین صلح خواهد بود

ماده ششم - مستاجر و مباشر و خادم و رعیت و کارگر و بطور کلی اشخاصی که مالی را از قبل دیگری تصرف میکنند مطابق مواد فوق از تصرف عدوانی شکایت نمایند.

ماده هفتم - مستأجر پس از انقضای مدت اجاره و همچنین هر امین دیگری در صورت مطالبه مالك يا قايم مقام ماذون از طرف او عين مستأجره و يا مال امانی را بتصرف کسیکه حق مطالبه دارد نداد متصرف عدوانی محسوب است مشروط باینکه از طرف کسیکه حق مطالبه دارد بترتیب ذیل بآنها اخطار شده باشد مستأجر در صورتیکه اخطار لا اقل یکماه قبل از انقضاء مدت اجاره بعمل آمده باشد پس از انقضاء مدت اجاره و الا پس از یکماه از تاریخ اخطار متصرف عدوانی محسوب شده و مطابق این قانون با او رفتار خواهد شد سایر اشخاصی که مال دیگری را بطور امانی متصرف باشند (۵) روز پس از اخطار و عدم تخلیه و رفع يد متصرف عدوانی محسوب خواهند شد اخطار فوق بوسیله اداره ثبت اسناد یا دفتر محکمه بداین یا دفتر محکمه صالحه بعمل می آید و اگر در محل هیچیک از مراجع فوق نباشد بوسیله حاکم یا نایب الحکومه ماده هشتم - در صورتیکه بین موجر و مستأجر راجع به تخلیه ملك پس از انقضاء مدت اجاره و یا بین صاحب مال و امین مقررات و شرایط خاصی باشد و همچنین در موارد مشمول مواد ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ قانون ثبت اسناد و املاک مقررات این قانون اجرا نخواهد شد .

ماده نهم - اختلاف بین موجر و مستأجر دکان و مغازه و کاروانسرا راجع به تخلیه مشمول مواد نوزده نبوده و دعوی تخلیه مطابق قانون حکمیت قطع و فصل خواهد شد

ماده دهم - در صورتیکه مدعی تصرف عدوانی مطابق این قانون شکایت نکرده باشد میتواند در مدت مقرر قانونی موافق مقررات اصول محاکمات حقوقی مربوط بمحاکم صالحه رفتار نماید .

ماده یازدهم - این قانون از اول تیرماه ۱۳۰۹ بموقع اجرا گذارده میشود .

این قانون که مشتمل بر یازده ماده است در جلسه چهاردهم اردی بهشت ماه یکهزار و سیصد و نه شمسه بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر